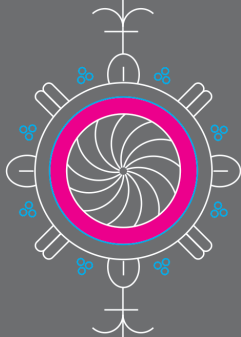




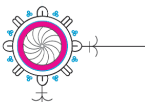
بِسْمِ
اللَّهِ
الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ





مكة و ف





اطلاعات صفحه شناسنامه

سرشناسه: احمدرضا زارعی؛ پژوهشگر امر به معروف و نهی از منکر، مجمع فعالان امر به معروف خاتم.

عنوان و نام پدیدآور: معروف

مشخصات نشر: قم، راهبرد معروف، ۱۴۰۳

مشخصات ظاهری: ۱۷×۱۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۲۹۵-۳-۸

یادداشت:

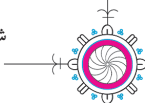
موضوع: آیات امر به معروف و نهی از منکر -- تفسیر -- اسلام -- عقاید -- اخلاق -- جنبه های قرآنی.

شناسه افزوده: پژوهشگر امر به معروف و نهی از منکر، مجمع فعالان امر به معروف خاتم.

رده بندی کنگره: Bp۱۰۴

رده بندی دیویی: ۱۵۹/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۹۵۲۳۲۶۹



معروف - دفتر اول: آیات امر به معروف و نهی از منکر
نویسندگان: احمدرضا زارعی؛ به سفارش پژوهشگر امر به معروف و نهی از منکر و مجمع فعالان امر به معروف خاتم.

طراحی گرافیک: محمدرضا احمدی

ناشر: راهبرد معروف.

چاپ و نشر: مرکز چاپ و نشر رشد.

نوبت چاپ: اول - بهمن ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۲۲۹۵-۳-۸

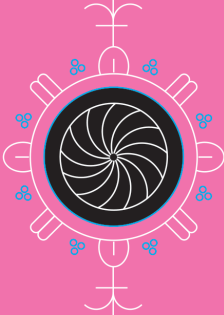


۱۰۰۰۸۳۹۳۰۷۷۱۰۰



۹۲۱۵۶۶۹۳۸۹





فهرست

- مقدمه ۷
- اولین آمر و ناهی ۱۰
- پایه های نظام اسلامی ۲۰
- حافظِ حدود الهی در جامعه ۲۹
- امت رستگار ۳۹
- بهترین امت ۴۹
- ویژگی صالحان ۵۹
- امر به معروف در تورات و انجیل ۷۰
- پند لقمان ۸۰
- دوستی مومنانه ۹۲
- بغض منافقانه ۱۰۱
- فهرست منابع ۱۱۰

بسمه تعالی

مقدمه

سعادت و سلامت هر جامعه‌ای، به نوع قانون حاکم بر آن و اجرای تمام و کمال آن قانون بستگی دارد. به میزانی که آن قانون، جامع‌تر و متناسب با نیازهای مختلف انسان باشد، رشد و تکامل بیشتری برای آن جامعه متصور خواهد بود.

قرآن کریم، وحی الهی و قانون اساسی جامعه اسلامی است که در آن عالی‌ترین مبانی به زیباترین شکل ممکن به تصویر کشیده شده است. همچنین بین مضامین والای قرآن کریم و فطرت و خلقت انسان اتحاد و انسجام وجود دارد؛ به گونه‌ای که با اجرای دستورات قرآن، نه تنها نیازهای معنوی و اخروی، بلکه نیازهای مادی و دنیوی انسان نیز برآورده خواهد شد: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً، فطرتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا». در صورتی که قوانین و مقررات بیان شده در قرآن، دقیق و بدون کم و کاست اجرا شود، جامعه و افراد آن به اهداف و آرمان‌های الهی در تمام عرصه‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... دست خواهند یافت.

یکی از دستورات مهم دین مبین اسلام، که آیات مختلفی از قرآن به صراحت به آن اشاره نموده، امر به معروف و نهی از منکر است. این دو فریضه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که امیر بیان، علی علیه السلام می‌فرمایند: تمام کارهای نیک حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با این دو فریضه، همانند قطره‌ای ناچیز در برابر دریایی پهناور است. چرا که در حقیقت، اقامه و بقای سایر احکام، در سایه‌ی عمل به این دو واجب محقق خواهد شد. امام باقر علیه السلام به این مهم اشاره کرده، می‌فرمایند: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ... فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ...». امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه همگانی است و در صورتی که عموم مردم به این وظیفه شرعی جامه عمل بپوشانند، ارزش‌های معنوی در جامعه گسترده و بساط زشتی‌ها برچیده خواهد شد.

کتاب پیش‌رو به مطالعه و تحقیق در مورد ۱۰ آیه از قرآن کریم می‌پردازد که به طور مستقیم به امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده است. این آیات، نقشه راه فعالان و دغدغه‌مندان این عرصه است که بتوانند در پرتو تعالیم الهی آن به وظیفه دینی و اجتماعی خود عمل کنند. برای هر آیه علاوه بر ترجمه، شأن نزول یا روایات ذیل آیه نیز آورده شده است. همچنین به یک داستان، تمثیل و

تحلیل مرتبط با آیه اشاره شده تا مبلغین و کنشگران بتوانند بدین بهانه شوق و انگیزه‌ای در عموم مؤمنین ایجاد کنند که به این وظیفه دینی خود، جامه عمل بپوشانند.

این کتاب به سفارش پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر و مجمع فعالان امر به معروف و نهی از منکر خاتم الاوصیاء و به همت شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی (هم قلم)، و به قلم احمد رضا زارعی، تهیه و نگارش یافته است.

به امید گوشه چشمی از جانب حضرت رسول ﷺ در سالروز بعثت ایشان. امید است که با این فعالیت بتوانیم گامی در راستای احیای فریضتین برداریم.

۲۷ رجب المرجب (عید مبعث) ۱۴۴۶

پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر

مجمع ملی فعالان امر به معروف و نهی از منکر

اولين امر وناهي

نحل ٩٠

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ
 الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ ﴿٨٨﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ
 أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَى
 هَؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى
 وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ ﴿٨٩﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ
 وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ
 وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٩٠﴾ وَأَوْفُوا
 بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ
 تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ
 يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٩١﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا
 مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ
 أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ
 وَيُبَيِّنُ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٩٢﴾
 وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ
 وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾



خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید! ^۱

شعر:

خدا امر بر عدل و احسان نمود بیاید که بخشش به خویشان نمود
ز بغي و ز فحشا و منکر همی نهی کرد دهد پند، باشد بگیری تو سود ^۲

شان نزول:

طبق روایت‌های معتبر، این آیه در مکه نازل شده است، زمانی که مسلمانان تحت فشار و آزار قریش بودند و نیاز به تقویت ایمان و اصول اخلاقی داشتند، این آیه به عنوان راهنمایی برای تقویت اخلاقی و اجتماعی آنان نازل شد. ^۳

۱. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ذیل آیه ۹۰ نحل.

۲. ترجمه منظوم قرآن، امید مجد.

۳. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، جلد ۱۲، صفحه ۳۹۹.



این آیه منشور جهانی اسلام است که امام باقر علیه السلام آن را در خطبه‌های نماز جمعه می‌خواندند؛ و به گفته فیض کاشانی در تفسیر صافی، اگر در قرآن همین یک آیه بود، کافی بود که بگوییم: قرآن، «تبیان کل شی» است، اوامر و نواهی این آیه در همه ادیان بوده و هرگز نسخ نشده است. ولید بن مغیره، چنان جذب این آیه شد که گفت: شیرینی، زیبایی، محتوای آن، چنان است که نمی‌تواند کلام بشر باشد؛ و عثمان بن مظعون می‌گوید با شنیدن این آیه، اسلام به عمق جانم نفوذ کرد و به دلم نشست.

به گفته تفسیر فی ظلال، هر گاه طاغوت‌ها با تبلیغات فاسد، زشتی گناه را در دیده‌ی مردم اندک و حساسیت مردم را نسبت به گناه کم کنند، ملاک معروف و منکر، شرع خواهد بود.^۴

داستان:

نوروز سال ۱۳۰۷ شمسی. هنگامی که تاج‌الملوک، همسر رضاخان همراه با دخترانش و تعدادی از زنان دربار ظاهراً به بهانه گذراندن لحظات تحویل سال در حرم حضرت معصومه علیها السلام، اما در واقع برای عادی کردن ظاهر غیر اسلامی و ترویج کشف حجاب به قم رفت و بدون حجاب مناسب در حرم مطهر حاضر شد، آیت‌الله شیخ محمدتقی بافق‌ی به آن‌ها پیام فرستاد که باید این مکان مقدس را ترک یا

۴. تفسیر نور جلد ۴ - صفحه ۵۷۱.



حجاب را رعایت کنند. اما همسر رضاخان به این اعتراض بی‌اعتنایی کرد. مرحوم بافقی همراه با جمعی از مردم در صحن، اجتماع و صدا به اعتراض علنی بلند کرد. همسر رضاخان که چنین دید، به خانه فرماندار قم رفت و با تلفن، شاه را در جریان ماقوع قرار داد.

رضاخان با یک واحد موتوریزه نظامی خود را به قم رساند، وارد حرم مطهر شد و شیخ را زیر مشتمت و لگد گرفت؛ آن‌گونه که یکی از دنده‌های آن فقیه مجاهد شکست؛ اما مردم از خوف، دم نزدند. آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی را به تهران و زندان لشکر منتقل کردند. چند ماه بعد با تلاش آیت‌الله حائری، آیت‌الله بافقی را به ری تبعید کردند. او تا سقوط رضاخان در این شهر ماند و در شهریور ۱۳۲۰، پس از فرار پهلوی اول، در میان استقبال گسترده مردم به قم بازگشت و روزگار پایانی عمر خود را در این شهر گذراند؛ اما تا آخرین دم از امر به معروف و ایستادن در برابر منکرات شانه خالی نکرد.

آیت‌الله شیخ محمدتقی بافقی زاهد و عابد و فقیهی دارای هوش سرشار و ذهن فعال بود و به تمام معنای کلمه یک مجتهد سیاسی و عالم به زمانه خود محسوب می‌شد و معتقد بود امر به معروف و نهی از منکر در هیچ شرایطی از انسان ساقط نمی‌شود.^۵

۵. <https://www.khabaronline.ir/news/1623745> / جریان-اعتراض-آیت-الله-محمدتقی-بافقی-به-همسر-رضاشاه-در-قم-چه-بود.





در این آیه خداوند و اولیای الهی به عنوان اولین آمرین به معروف و ناهیان از منکر معرفی شده‌اند. آیت الله بافق‌ی هم به عنوان یکی از برجسته‌ترین علماء و اولیاء الهی با تبعیت از این آیه در مقابل اشاعه فحشاء سکوت نکرد تا علاوه بر انجام تکلیف شرعی خود، الگویی باشد برای جامعه زمان خود.

تمثیل:

عدالت راه را برای شکوفایی بشر هموار می‌کند و مانع ظلم می‌گردد. احسان، گرمی محبت را در جامعه گسترش می‌دهد. بخشش به نزدیکان نیز روابط خانوادگی و اجتماعی را تقویت کرده، این پیوندهای محبت‌آمیز را مستحکم می‌سازد. این آیه مثل چراغی است که در دل تاریکی‌های زندگی روشنایی می‌بخشد. تصور کنید در شب تاریک و بدون نور، در جاده‌ای پر پیچ و خم حرکت می‌کنید. هر قدم، همراه با ترس و نگرانی از برخورد با موانع ناشناخته است. حال تصور کنید که در این مسیر تاریک، راهنمایی چراغ به دست پیش روی شماست که راه را به شما نشان می‌دهد و از شما می‌خواهد تا در مسیری قدم بردارید و از خطرات دوری کنید. او هم راهنماست و هم راهبر است. از خطرات نجات داده، به شما آرامش و اطمینان خاطر می‌بخشد.

۶. برگرفته از کتاب «تمثیلات» حجت الاسلام رنجبر، صفحه ۴۵ با قدری تصرف.



در مسیر زندگانی آمر به معروف و ناهی از منکر این نقش را ایفا می‌کند که به مسیر ظلمانی بشر نور هدایت الهی می‌بخشد و مسیر درست را نشان می‌دهد و برای گرفتار نشدن در عمق خطرات این جاده از اعمال ناپسند نهی می‌کند.

نکات:

۱. اولین آمر به معروف هم خود ذات مقدّس پروردگار است که می‌فرماید: **إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ**؛ خدا آمر به معروف و ناهی از منکر است.^۷
۲. عدل و احسان در کنار هم جاذبه دارد، وگرنه مقرّرات خشک، دل‌ها را التیام نمی‌دهد. **«يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»** (عدل، مقدار واجب و احسان، مقدار مستحبّ است)
۳. در احسان، رسیدگی به بستگان و صله رحم اولویّت دارد. **«الْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ»**
۴. امر به معروف، بر نهی از منکر مقدّم است و عدل، بر احسان. **يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ... وَيَنْهَى**



۷. بیانات مقام معظم رهبری در ۲۵/۱۲/۱۳۹۴ دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضیّای حوزه علمیه قم.



۵. امر به معروف و نهی از منکر باید در فضای صفا و محبت و در قالب موعظه و خیرخواهی باشد. **يَا مُرُّ... يَنْهَى... يَعْظُمُ**
۶. آمرین به معروف نباید از مردم انتظار پذیرش صد درصد داشته باشند. **«لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»**
۷. مردم فطرتاً به عدل و احسان گرایش دارند و از فحشا و منکر متنفرند؛ لیکن وسوسه‌ها و غرایز موجب غفلت او می‌باشند که باید با تذکر آنان را متذکر نمود. **«لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»** تذکر در مقابل غفلت است.
۸. **«يَا مُرُّ بِالْعَدْلِ... يَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ»** در نهی از منکر باید ابتدا از فحشاء و گناهان رسوا جلوگیری کرد، همان گونه که در امر به معروف باید ابتدا به واجبات سفارش کرد.
۹. سفارش به عدل و نهی از فحشاء، سنت ابدی خداوند است. **يَا مُرُّ... يَنْهَى... (فعل مضارع نشانه استمرار است و ناظر بر حال و آینده است).**
۱۰. موعظه (امر به معروف و نهی از منکر) بایستی تداوم داشته باشد پس با یک بار و چند بار اولاً فکر نکنیم کار ما تمام شد و ثانیاً نبایستی در این راه خسته شد. **يَعْظُمُكُمْ (فعل مضارع نشانه استمرار است)**^۸.

۸. تفسیر نور جلد ۴ - صفحه ۵۷۲ با قدری تصرف.





۱۱. این آیه به سه اصل مثبت (عدل، احسان و بخشش) و سه اصل منفی (فحشا، منکر و بغی) اشاره دارد. عدل به معنای رعایت حقوق دیگران، احسان به معنای انجام کارهای نیک و بخشش به نزدیکان است. فحشا به معنی اعمال ناپسند اخلاقی، منکر به معنی اعمال ناپسند اجتماعی و بغی به معنی ظلم و تعدی است.^۹

تحلیل آیه:

اصل ابتدایی در مدیریت اجتماعی این است که مدیران جامعه بایستی در کارها الگوی عملی باشند؛ به این معنا که در هر کاری خود پیشتاز باشند و نه اینکه کارها را به دیگران بسپارند و خود تنها نظاره کنند. به تعبیر شهید حاج قاسم سلیمانی در فرماندهی دفاع مقدس، برو! برو! نبود، بلکه بیا! بیا! بود؛ یعنی فرمانده جلوتر از رزمندگان قرار می گرفت و خطرات را به جان می خرید و در پی او رزمندگان حرکت می کردند. آمر به معروف و ناهی از منکر هم بایستی پیشتاز باشد و در میانه میدان نقش آفرینی نماید. شخصیت جامع یکی از شاخصه های مؤمنین است اینکه مؤمن در عین عدالت بایستی اهل احسان باشد و در عین احسان نبایستی از دایره عدالت خارج گردد.



۹. تفسیر نمونه ذیل آیه ۹۰ سوره مبارکه نحل.



در اهمیت امر به معروف و نهی از منکر همین بس که خدا و اولیاء الهی اولین و برترین آمران به معروف و ناهیان از منکر هستند. در این آیه خداوند خود را اولین آمر به معروف و نهی از منکر معرفی میکند و وجود نازنین پیامبر گرامی اسلام ﷺ از برترین آمران به معروف و ناهیان از منکر است؛ آیه‌ی قرآن می‌فرماید: «يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛^{۱۰} سپس ائمه عليهم السلام بزرگ‌ترین آمران به معروف و ناهیان از منکرند؛ در زیارت می‌خوانیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الرَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ» مؤمنین و مؤمنات آمران به معروف و ناهیان از منکرند که فرمود: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ»؛^{۱۱} اقامه صلاة، ایتاء زکات و امر به معروف و نهی از منکر چهار پایه‌ی اصلی برای نظام‌سازی است که از هر کدام از اینها، شاخه‌هایی منشعب میشود. نظام اسلامی متکی است به اقامه‌ی صلات، ایتاء زکات، امر به معروف، و نهی از منکر؛ یعنی انسجام و ارتباط اجتماعی و قلبی میان آحاد مردم در نظام اسلامی.^{۱۲}

۱۰. سوره مبارکه الأعراف آیه ۱۵۷.

۱۱. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، شیخ طوسی، ج ۲، ص ۷۱۷؛ مفتاح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۴۲۹ (زیارت وارث).

۱۲. سوره مبارکه التوبة آیه ۷۱.

۱۳. سیدعلی خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱/۱.

پایه های نظام اسلامی

حج ۴۱

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ
وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.

أذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ
 لَقَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ
 يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ
 لَهَدَمَتِ صَوَامِعَ وَبِيَعَ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدٍ يُذَكَّرُ فِيهَا
 اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ
 لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٤٠﴾ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا
 الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ
 ۗ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿٤١﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ
 قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ ﴿٤٢﴾ وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ
 ﴿٤٣﴾ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ
 ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٤﴾ فَكَايِنَ مِّنْ قَرْيَةٍ
 أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ۖ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْسَ
 مَعْظَلَةٌ وَقَصْرٍ مَّشِيدٍ ﴿٤٥﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ
 لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۗ فَإِنَّهَا لَا
 تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿٤٦﴾



همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست.^۱

شعر:

آنان که چون امکانشان دادیم در این سرزمین برپا نماز [خویش] می‌دارند [با عزم و یقین]
ردّ زکات و امر بر معروف و نهی از منکرات ز آنها و ختم کارها [باشد ز قاضی القضاة]^۲

شان نزول:

از امام کاظم علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود: روزی در مسجد، نزد پدرم بودم. مردی از او درباره آیه «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ...» پرسید. امام صادق علیه السلام ضمن تفسیر این آیه به اهل بیت علیهم السلام، جریان آن را چنین بیان نمود: فلانی و فلانی (و آنها را نام برد) همراه با گروهی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده و پرسیدند: بعد از تو خلافت به چه

۱. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ذیل آیه ۴۱ سوره مبارکه حج

۲. ترجمه منظوم قرآن، امید مجد



کسی می‌رسد؟ به خدا قسم! اگر به یکی از خویشانت برسد از آنها بر جان خود بیمناکیم و اگر به غیر آنها برسد، شاید نسبت به ما نزدیک‌تر و مهربان‌تر باشد! رسول خدا ﷺ از شنیدن این سخن بسیار ناراحت شد و فرمود: «به خدا سوگند! اگر به خدا و فرستاده‌اش ایمان داشتید، هرگز با آنها دشمنی نمی‌کردید؛ زیرا که دشمنی با آنها دشمنی با من و دشمنی با من، کفر ورزیدن به خدا است. شما [با این سخنتان] از مرگم خبر دادید! به خدا سوگند! اگر خداوند به آنها در زمین قدرت دهد، نماز را در وقتش به پای دارند و زکات را در جای خودش به مصرف رسانده و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود؛ خداوند کسانی که با من و اهل بیتم دشمنی نمایند خوار و ذلیل خواهد کرد». در این هنگام خدای عزوجل این آیه را نازل فرمود: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...»^۳.

داستان:

روزی پیرمردی مشغول وضو گرفتن بود، اما نحوه صحیح آن را نمی‌دانست. امام حسن و امام حسین علیهما السلام که در سنین کودکی بودند، وضو گرفتن پیرمرد را دیدند. جای تردید نبود؛ تعلیم مسائل

۳. آسترآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، محقق و مصحح:

استادولی، حسین، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.



و ارشاد جاهل واجب است؛ باید وضوی صحیح را به پیرمرد یاد داد. اما اگر مستقیماً به او گفته شود که وضوی تو صحیح نیست، گذشته از اینکه موجب رنجش خاطر او می شود، برای همیشه خاطره ی تلخی از وضو خواهد داشت. به علاوه، از کجا که او این تذکر را برای خود تحقیر تلقی نکند و یک باره روی دنده ی لجبازی نیفتد و هیچ وقت زیر بار نرود.

هر دو اندیشیدند تا به طور غیر مستقیم او را آگاه سازند. در ابتدا با یکدیگر مشغول بحث شدند و پیرمرد می شنید. یکی گفت: «وضوی من کامل تر است.» دیگری گفت: «وضوی من کامل تر است.» بعد توافق کردند که هر دو در حضور پیرمرد وضو بگیرند و پیرمرد داور باشد. طبق قرار عمل کردند و هر دو وضوی صحیح و کاملی جلوی چشم پیرمرد گرفتند. پیرمرد تازه متوجه شد که وضوی صحیح چگونه است و مقصود اصلی رفتار آن دو بزرگوار را دریافت و سخت تحت تأثیر محبت بی شائبه و هوش و فطانت آنها قرار گرفت. گفت: وضوی شما صحیح و کامل است. من پیرمرد هنوز وضو ساختن را نمی دانم. به حکم محبتی که بر امت جد خود دارید، مرا متنبه ساختید. متشکرم^۴





همان طور که گفته شد، آیه در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل شده است. امام حسن و امام حسین علیهم السلام در موقعیت های مختلف به امر به معروف و نهی از منکر می پرداختند و از تذکر نسبت به وضوی یک پیرمرد در کودکیشان تا مقابله با ظلم ظالمان به میزان تمکن و توان و شرایطی که داشتند به این واجب الهی عمل می نمودند. موعظه های امام حسن و امام حسین علیهم السلام در بین سپاهیان خود و سپاه دشمن و نماز ظهر روز عاشورا جلوه های فراموش نشدنی عمل به این آیه قرآن است.

تمثیل:

برای ماشینی که در مسیر یک طرفه بر خلاف همه رانندگی می کند، دو نوع برخورد لازم است: یکی آنکه تمام رانندگان با بوق و چراغ مخالفت خود را با کار او اعلام کنند، دوم آنکه پلیس، راننده را جریمه کند.^۵ قرآن نیز تمام مسلمانان را به امر به معروف و نهی از منکر سفارش کرده است و این دو نوع برخورد را هم متذکر شده است. پس مؤمنین با هر توانی می توانند به درجه ای از امر به معروف و نهی از منکر در جامعه بپردازند. نوع برخوردها بستگی به موقعیت و توان و تمکن آنها دارد.

۵. تمثیلات حجت الاسلام قرائتی



نکات:

۱. یاری خداوند از طریق احیای دین اوست. «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»، الَّذِينَ إِنَّ مَكَّنَاهُمْ ...
۲. پیروزی مؤمنان، زمینه‌ی بندگی و تعاون مالی و فرهنگی را فراهم می‌کند و غفلت و غرور را از بین می‌برد. إِنَّ مَكَّنَاهُمْ ...
۳. برای مؤمنان، تمام زمین یکسان است، آنان هر کجا که توان دارند، هدف مقدّس خود را پیاده می‌کنند. «فِي الْأَرْضِ»
۴. همه‌ی قدرت‌ها را از خدا بدانیم. «مکنا»
۵. اولین ثمره‌ی حکومت صالحان، نماز و زکات و امر به معروف و نهی از منکر است. إِنَّ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ...
۶. رابطه با خدا و دستگیری از محرومان و آگاهی دادن به جامعه و جلوگیری از مفاسد، از هم جدا نیست. أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ ...
۷. اقامه‌ی نماز و ادای زکات و امر به معروف و نهی از منکر از وظایف و کارهای قطعی مسئولان حکومت اسلامی است. «أَقَامُوا» نه «یقیمون»
۸. حاکمان مؤمن، هم در فکر ارتقای روحی و رشد امور معنوی هستند و هم به دنبال رفاه و حل مشکلات اقتصادی و فقرزدایی و اصلاح جامعه. أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ ...





۹. جامعه‌ای تحت حمایت خداوند است که این چهار ارزش محوری را داشته باشد: نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر. «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»، «الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ»
۱۰. امر و نهی شما، زمانی در جامعه موثر است که اول به وظایف فردی خود عمل کنید. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ... أَمْرُوا بِالْمَعْرُوفِ»
۱۱. زکات، همتای ناگسستنی نماز است. «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»* (در ۲۸ آیه قرآن، زکات در کنار نماز آمده است).
۱۲. با انجام همه‌ی وظایف، باز هم به حسن عاقبت خود و نتیجه‌ی نهایی کارتان مطمئن نشوید و بر خداوند امید و توکل داشته باشید. «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»
۱۳. امکانات، بیش از چند روزی در دست شما نیست. «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»

تحلیل آیه:

اگر قدرت و امکانات، در دست افراد صالح باشد، بهره‌برداری صحیح می‌کنند و اگر در اختیار ناهلان قرار گیرد، سوء استفاده می‌کنند. بنابراین دنیا و قدرت، برای گروهی نعمت و برای گروهی وسیله‌ی بدبختی است و قرآن از هر دو نمونه یاد کرده است: اگر

۶. تفسیر نور ذیل آیه ۴۱ سوره مبارکه حج





مؤمنان به قدرت برسند، به سراغ نماز و زکات و امر به معروف می‌روند؛ ولی انسان‌های منحرف و ناهل، اگر قدرتمند شوند، کارشان طغیان است، «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» و در راه نابودی منابع اقتصادی و نسل بشر گام بر می‌دارند، «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ» و عاقبت، مردم را به دوزخ می‌کشاند. «أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»^۷



حافظِ حدودِ الهى در جامعه

توبه ۱۱۲

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ
السَّاجِدُونَ الْأَمِيرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ.

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ
 السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ
 الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٣﴾ مَا
 كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ
 وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ
 أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١١٤﴾ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ
 لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ
 عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ﴿١١٥﴾ وَمَا
 كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ
 لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١١٦﴾ إِنَّ اللَّهَ
 لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا لَكُمْ
 مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١١٧﴾ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ
 عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي
 سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ
 مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١١٨﴾



ترجمه:

توبه‌کنندگان، عبادت‌کاران، سپاس‌گویان، سیاحت‌کنندگان، رکوع‌کنندگان، سجده‌آوران، آمران به معروف، نهی‌کنندگان از منکر، و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند)؛ و بشارت ده به (این چنین) مؤمنان!^۱

شعر:

و توبه‌کار و پرستش‌گردد و شکرگزار و روزه‌دار و اهل نماز و اهل سجود
و آمران به معروف [این کسان هستند] و ناهیان زمنکر [چنانکه باید بود]^۲

شان نزول:

از این آیه در منابع شان نزول نیافتیم لذا به تناسب بحث از بین روایات دو روایتی را که ذیل آیه نقل شده است، بیان می‌داریم:

۱. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ذیل آیه ۱۱۲ سوره مبارکه توبه

۲. ترجمه منظوم قرآن، امید مجد



۱. علی بن ابراهیم رضی الله عنه در مورد الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ در آیه شریفه می فرماید: آمران به معروف همان کسانی هستند که تمام معروف‌ها را از کوچک و بزرگ و مخفی و آشکارش می‌شناسند و نهی‌کنندگان از منکر همان‌هایی هستند که تمام منکرها را از کوچک و بزرگ می‌شناسند؛ و محافظان حدود [و مرزهای] الهی آن‌هایی هستند که مرزهای الهی را از کوچک و بزرگ و پنهان و آشکارش می‌شناسند و جایز نیست [امکان ندارد] که کسی به جز امامان دارای این صفت باشد.^۳

۲. ابو عمرو زبیری می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: درباره‌ی دعوت به سوی خدا و جهاد در راه او به من بگویند...» فرمود: «خداوند عزوجل این آیه را بر رسولش نازل کرد: التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ چنین تفسیر کرده و فرموده است: التَّائِبُونَ از گناهان. عبادت‌کنندگان که فقط خدا را می‌پرستند و برای او شریک قائل نمی‌شوند. الْحَامِدُونَ که خدا را در هر حال چه در سختی و چه در نعمت ستایش می‌کنند.





جهادگران که همان روزه‌دارانند رکوع‌کنندگان، سجده‌گزاران که نمازهای پنج‌گانه را به موقع برگزار می‌کنند و از نماز با رکوع و سجود آن و در خشوع در آن و در اوقاتش، محافظت می‌کنند. امرکنندگان به معروف به آن عمل می‌کنند، نهی‌کنندگان از منکر خود نیز مرتکب آن نمی‌شوند». سپس فرمود: «کسی را که کشته می‌شود، درحالی‌که این شرایط را دارا است، به شهادت و بهشت بشارت ده»^۴

داستان:

روزی پیامبر ﷺ در جمع یاران خود فرمود: خداوند در مورد برخی از کسانی که پیش از شما بودند، به جبرئیل وحی نمود و او را فرمان داد تا فلان سرزمینی را که کافران و گناه‌کاران در آن هستند، فرو برد.

۴. عَنْ أَبِي عَمْرٍو الرُّبَيْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قُلْتُ لَهُ أُخْبِرْنِي عَنِ الدَّعَاءِ إِلَى اللَّهِ وَ الْجِهَادِ فِي سَبِيلِهِ ... قَالَ عليه السلام فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى رَسُولِهِ عليه السلام التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَفَسَّرَ النَّبِيُّ عليه السلام الْمُجَاهِدِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ هَذِهِ صِفَتُهُمْ وَ حَلَّتْهُمْ بِالشَّهَادَةِ وَ الْجَنَّةِ وَ قَالَ التَّائِبُونَ مِنَ الذُّنُوبِ الْعَابِدُونَ الَّذِينَ لَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا يُشْرِكُونَ بِهِ شَيْئًا الْحَامِدُونَ الَّذِينَ يَحْمَدُونَ اللَّهَ عَلَى كُلِّ حَالٍ فِي السُّبُوحِ وَ الرَّحَاءِ السَّائِحُونَ وَ هُمُ الصَّائِمُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الَّذِينَ يُؤَاطِبُونَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ وَ الْحَافِظُونَ لَهَا وَ الْمُحَافِظُونَ عَلَيْهَا بِرُكُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ فِي الْخُشُوعِ فِيهَا وَ فِي أَوْقَاتِهَا الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ بَعْدَ ذَلِكَ وَ الْعَامِلُونَ بِهِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْمُنتَهُونَ عَنْهُ قَالَ فَيَبْتِغِي مَنْ قُتِلَ وَ هُوَ قَائِمٌ (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بِهَذِهِ الشُّرُوطِ بِالشَّهَادَةِ وَ الْجَنَّةِ. (تفسير اهل بيت عليهم السلام ج ۶، ص ۳۶۰ - الكافي، ج ۵، ص ۱۵ / تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۱۲۹ / وسایل الشيعه، ج ۱۵، ص ۳۶)



جبرئیل از خداوند پرسید: آیا همه را فرو برم، حتی فلان زاهد را؟ او می خواست فرمان خدا را دقیق بداند. خداوند فرمود: آنان را فرو ببر و پیش از آنان، آن زاهد را فرو ببر!

جبرئیل از پروردگار پرسید: پروردگارا! مرا آگاه ساز که چرا باید چنین کنم، حال آن که او زاهد و عابد است. خداوند فرمود: با این که به او قدرت و توان داده ام اما وی امر به معروف و نهی از منکر نمی کند. یاران پیامبر ﷺ پرسیدند: ای رسول خدا! وقتی ما منکری را می بینیم و نمی توانیم نهی از منکر کرده، جلوی آن را بگیریم، چه باید بکنیم؟ حضرت فرمود: باید امر به معروف و نهی از منکر کنید، وگرنه عذاب خدا همه شما را در بر خواهد گرفت. هر کس منکری را دید، باید (نهی از منکر کند و) جلوی آن را بگیرد و اگر نتوانست، با زبان از آن بازدارد و اگر نتوانست، در دلش از آن منکر بیزاری جوید؛ پس همین که خدا از دل او خبر دارد که وی واقعا از آن منکر بدش می آید، برای او کافی است.^۵

تمثیل:

گاهی گرد و غبار روی لباس شما می نشیند و گاهی دوده. غبار با ضربه محکمی که بر لباس می زنید، برطرف می شود؛ اما اگر همین

۵. لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ كُتِبَ اللَّهُ بَعْضًا مِّن رَّأْيِ مُنْكَرًا فَلْيُنْكِرْهُ بِيَدِهِ إِنْ اسْتَطَاعَ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ، فَخَشْبُهُ أَنْ يَعْلَمَ اللَّهُ مِنْ قَلْبِهِ إِنَّهُ لِدَلِيلِكَ كَارِهِ؛ (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰ ص ۸۵)





ضربه را به دوده بزیند، هم دستتان سیاه می شود و هم دوده به لباس فرو می رود. برطرف کردن دوده با فوت است و برطرف کردن غبار با ضربه است. امر به معروف و نهی از منکر شرایط و اصولی دارد و با هر منکر باید به گونه ای متناسب برخورد کرد.^۶

نکات:

۳. شرط وفاداری خداوند به پیمان خود، پایداری مؤمنان بر حفظ حدود الهی است. وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ... التَّائِبُونَ ...
۴. جهاد اکبر و خودسازی، لازمه ی جهاد اصغر در جبهه هاست. يُقَاتِلُونَ... التَّائِبُونَ ...
۵. اسلام دینی جامع است، اشک را در کنار شمشیر و عبادت را در کنار سیاحت قرار داده است. يُقَاتِلُونَ... التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ... السَّائِحُونَ
۶. آنچه مطلوب است، ملکه شدن کمالات در انسان است. التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ ...
۷. تقویت روحیه ی رزمندگان اسلام، با ذکر و یاد خدا و عبادت است، نه شراب و موسیقی و ... که در جبهه ی دشمن است. يُقَاتِلُونَ، التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ، ...
۸. شرط قبولی عبادت، توبه از گناه است. «التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ»

۶. درسهایی از قرآن حجت الاسلام قرائتی



۹. تحرّک، تلاش، سیاحت، هجرت و خودسازی، در راه کسب کمال و قرب الهی ارزش است. «السَّائِحُونَ» (مردان خدا، راکد و زمین‌گیر نیستند)
۱۰. سرباز و رزمنده‌ی اسلام باید اهل نماز و عبادت باشد. «يُقَاتِلُونَ، الرَّاٰكِبُونَ السَّاجِدُونَ»
۱۱. در مسیر کمال، اوّل خودسازی است، بعد جامعه‌سازی. التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ ... الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ...
۱۲. درگیری با دشمن در مرزها، ما را از مفسد و منکرات داخلی غافل نسازد. «يُقَاتِلُونَ، الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ...»
۱۳. برای حفظ حدود الهی، باید هم با دشمن خارجی جنگید، هم با مفسد داخلی مبارزه کرد. «يُقَاتِلُونَ، النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ، الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ»
۱۴. رزمندگان برای جلوگیری از مفسد اجتماعی، بیش از دیگران مسئولند. «يُقَاتِلُونَ، النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

تحلیل آیه:

امر به معروف و نهی از منکر، حافظِ حدود الهی در جامعه :
در این آیه مبارکه این چنین آمده که توبه از گناه، راه عبادت را باز می‌کند، زبانِ ستایشگر همراه با پویایی و تحرّک، آمادگی برای رکوع





و سجد در پیشگاه خدا می آورد، و امر به معروف و نهی از منکر، حافظِ حدود الهی در جامعه است.

کلمه «التائبون»، نشانه آن است که مؤمنانی که جان و مال خود را به خدا مفروشند، میتوانند با یک انقلاب و بازسازی درونی و اعراض از کردارهای ناروای گذشته، وارد این میدان معامله با خدا شوند. چنانکه در ماجرای کربلا، افرادی مانند زُهیر و خُر، با آنکه سابقه درخشانی نداشتند، ولی در یک چرخش و معامله با خدا، جان خود را تسلیم کردند و درخشیدند.^۷

امر به معروف و نهی از منکر شرط قیام امام زمان علیه السلام:

آیات ۱۱۱ تا ۱۱۴ سوره مبارکه توبه به بیان ویژگیهای مؤمنان می پردازد و یکی از این ویژگیها، امر به معروف و نهی از منکر است.

عُباد بصری در راه مکه امام سجاد علیه السلام را دید، به حضرت گفت: «ترکت الجهاد و صعوبته و اقبلت الی الحج و لینه؟» جهاد و سختی آن را رها کرده ای، به حج و آسانی آن روی آورده ای؟ آنگاه آیه ای إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى... را خواند! حضرت فرمودند: ادامه ای آن را هم بخوان! عباد آیه إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى... را خواند. حضرت فرمود: اگر یاران ما این صفات و کمالات را دارا می بودند، بر ما واجب بود، قیام کنیم و در آن صورت، جهاد از حج برتر بود.^۸

۷. تفسیر نور ذیل آیه ۱۱۲ سوره مبارکه توبه.

۸. وسائل، ج ۱۵، ص ۴۶.



از این پاسخ امام علیه السلام میشود اینگونه دریافت که این خصوصیات
میبایست در یاران امام زمان علیه السلام به وجود آید تا ظهور و قیام
حضرت محقق شود.



امت رستگار

آل عمران ۱۰۴

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ
 وَمَنْ يَعْتَصِمِ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٠١﴾ يَا
 أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ
 مُسْلِمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا
 نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ
 فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ
 فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
 تَهْتَدُونَ ﴿١٠٣﴾ وَلِتُكِنَ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ
 بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٠٤﴾
 وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ
 الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٠٥﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ
 وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ
 إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿١٠٦﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ
 ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَبِئْسَ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٠٧﴾ تِلْكَ
 آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعَالَمِينَ ﴿١٠٨﴾



باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگاران اند.^۱

شعر:

و باید که جمعی زین شمای نمایند دعوت به نیکی [رای]
به کردار نیکوی فرمان دهند [چو بینند بد] نهی بر آن دهند
[نمایند چون این دو مبنای کار] بباشند این مردمان رستگار^۲

شان نزول:

از این آیه در منابع، شان نزول نیافتیم ولی روایات فراوانی دلالت بر شأنیت آیه در مقام اهل بیت علیهم السلام دارد که در ذیل به دو روایت می پردازیم:
۱. امام علی علیه السلام در باره آیه **وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ...** فرمودند: این امتیاز متعلق به آل محمد و پیروان آنهاست که

۱. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ذیل آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران.

۲. ترجمه منظوم قرآن، امید مجد.



دعوت به نیکی می‌کنند؛ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.^۳
 ۲. امام باقر علیه السلام در باره آیه مبارکه وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
 وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛
 فرمودند: «ما همان‌ها هستیم»^۴.

داستان:

اهل بیت علیهم السلام همواره پیشتاز در امر به معروف و نهی از منکر
 بوده‌اند و هیچ‌گاه در برابر انحرافات دینی سکوت نکرده‌اند، حتی
 زمانی که این انحرافات به ظاهر به نفع خودشان باشد. یکی از
 نمونه‌های بارز این رویکرد را می‌توان در گفتوگوی امام رضا علیه السلام در
 مجلس مأمون مشاهده کرد.

در این مجلس، برادر امام، زید، در گوشه‌ای نشسته بود و عده‌ای
 را دور خود جمع کرده و درباره فضیلت سادات و اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله
 سخن می‌گفت. او با افتخار می‌گفت: «ما خانواده چنین هستیم!
 ما خانواده چنان هستیم!» این سخنان زید نشان‌دهنده یک نوع

۳. أمير المؤمنين علیه السلام - وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ فَهَذِهِ لآلِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَمَنْ
 تَابَعَهُمْ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. تفسیر اهل بیت علیهم السلام
 ج ۲، ص ۷۲۲ - بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۵۳ / القمی، ج ۱، ص ۱۰۸.
 ۴. الباقر علیه السلام - وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ
 هُمُ الْمُفْلِحُونَ نَحْنُ هُمْ. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۲، ص ۷۲۲ - تأویل الآيات الظاهرة، ص ۱۲۴.





خودبزرگ بینی و غفلت از مسئولیت های دینی بود.

امام رضا علیه السلام که متوجه سخنان برادرش شد، با صدای بلند او را صدا کرد تا توجه همه حاضرین را جلب کند. سپس به زید فرمود:

آیا سخن ناقلان کوفه را باور کرده ای که می گویند: فاطمه علیها السلام خود را حفظ کرد، پس خداوند ذریه او را از آتش جهنم مصونیت بخشیده

است؟ به خدا سوگند! آنچه شنیده ای، مقصود حسن و حسین علیهما السلام و فرزندان بی واسطه ایشان است. اما اگر گفته تو درست باشد که

همه اولاد فاطمه علیها السلام مصونیت دارند، پس تو از پدرت موسی بن جعفر علیه السلام در نزد خداوند عزیزتر و گرمی تر خواهی بود؛ چرا که او

خدا را اطاعت می کرد، روزها روزه می گرفت و شب ها به عبادت می پرداخت، در حالی که تو از فرمان خدا سرپیچی می کنی. با این

حال، هر دوی شما اهل سعادت و بهشت خواهید شد!»

امام رضا علیه السلام با این کلام خود به زید یادآوری کرد که عمل به دستورات الهی و مسئولیت فردی در دین بسیار مهم تر از افتخار

به نسب خانوادگی است. او همچنین اشاره کرد که علی بن الحسین علیهما السلام فرموده اند: «نیکوکار ما اهل بیت دو برابر اجر دارد و

بدکار ما دو برابر عذاب خواهد داشت...»

این داستان نشان دهنده اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

است؛ زیرا اهل بیت علیهم السلام هیچ گاه اجازه نمی دهند که افراد از طریق





نسب خانوادگی خود به راحتی از زیر بار مسئولیت‌های دینی شانه خالی کنند. آن‌ها همواره بر این نکته تأکید دارند که هر فرد باید با عمل صالح خود، جایگاه واقعی‌اش را در نزد خداوند مشخص کند.^۵ حتی حضرات معصومین علیهم‌السلام در مواردی که شاید به نظر ما کم اهمیت بیاید تذکر میدادند و به علت اهمیت آن می پرداختند. چنانکه روزی خادم‌ان امام رضا علیه‌السلام، میوه‌ای را نیم‌خورده بیرون انداخته بودند. امام رضا علیه‌السلام ناراحت شد و در مقام نهی از منکر به آنان فرمود: «إِنْ كُنْتُمْ اسْتَعْنَيْتُمْ فَإِنَّ أَنَا سَأَلْتُ لَمْ يَسْتَعْنُوا أَطْعَمُوهُ مَنْ يَحْتَاجُ إِلَيْهِ؛ اگر شما [سیر شده اید و] به آن نیازی ندارید، عده‌ای از مردم به این محتاج‌اند؛ آن را به کسانی که نیاز دارند بدهید!»

تمثیل:

پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در ضمن یک مثال جالب، منطقی بودن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را مجسم ساخته و حق نظارت فرد بر اجتماع را یک حق طبیعی که ناشی از پیوند سرنوشتهاست،

۵. «أَعْرَكَ قَوْلُ نَاقِلِي الْكُوفَةِ إِنَّ فَاطِمَةَ عليها السلام أَحْضَنْتْ فَرْجَهَا فَحَرَّمَ اللَّهُ ذَرْبَهَا عَلَى النَّارِ فَوَاللَّهِ مَا ذَلِكَ إِلَّا لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَوُلْدِ بَطْنِهَا خَاصَّةً وَأَمَّا أَنْ يَكُونَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليهما السلام يُطِيعُ اللَّهَ وَيَصُومُ نَهَارَهُ وَيَقُومُ لَيْلَهُ وَتَعْصِيهِ أَنْتَ ثُمَّ تَجِئْتَانِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سَوَاءً لِأَنْتَ أَعَزُّ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام كَانَ يَقُولُ لِمُحْسِنِنَا كَفْلَانِ مِنَ الْأَجْرِ وَلِمُسِيئِنَا ضِعْفَانِ مِنَ الْعَذَابِ؛ «عیون اخبار الرضا علیهم‌السلام، ج ۲، ص ۲۳۲.

۶. الوسائل باب: ۶۹ من أبواب آداب المائدة الحديث: ۱.





بر شمرده، می فرماید: «یک فرد گنهکار، در میان مردم همانند کسی است که با جمعی سوار کشتی شود، و هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن موضعی که در آن نشسته است پردازد، و هر گاه به او اعتراض کنند، در جواب بگوید من در سهم خود تصرف می کنم! اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند؟ طولی نمی کشد که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و یکباره همگی در دریا غرق می شوند.»^۷

این مثال نشان دهنده این است که امر به معروف و نهی از منکر نه تنها وظیفه ای دینی بلکه مسئولیتی اجتماعی است. هر فرد باید متوجه باشد که اعمالش بر دیگران تأثیر می گذارد. اگر کسی در جامعه به گناه ادامه دهد و دیگران سکوت کنند، عواقب آن شامل همه خواهد شد.

پیامبر با این تمثیل، حق نظارت فرد بر اجتماع را به عنوان یک حق طبیعی ناشی از پیوند سرنوشت ها بر شمرده اند. اگر جامعه ای بخواهد سالم بماند، باید افراد آن یکدیگر را به خیر دعوت کنند و از کارهای ناپسند باز دارند. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه یک ضرورت اجتماعی است که همه باید آن را جدی بگیرند تا از غرق شدن در مشکلات جلوگیری شود.

۷. تفسیر نمونه ج ۱، ص ۳۱۷.



نکات:

۱. دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، باید به صورت دائمی باشد، نه موسمی و موقتی. «يَدْعُونَ، يَا مُرُونَ، يَنْهَوْنَ» فعل مضارع، نشانه استمرار است.
۲. امر به معروف، بر نهی از منکر مقدم است. اگر راه معروف‌ها باز شود، زمینه برای منکر کم می‌گردد. «يَا مُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»
۳. کسانی که برای رشد و اصلاح جامعه دل می‌سوزانند، رستگاران واقعی هستند و گوشه‌گیران بی تفاوت را از این رستگاری سهمی نیست. «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»
۴. فلاح و رستگاری، تنها در نجات و رهایی خود خلاصه نمی‌شود، بلکه نجات و رشد دیگران نیز از شرایط فلاح است. «يَا مُرُونَ، يَنْهَوْنَ، أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۸

تحلیل آیه:

قرارگرفتن آیه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در میان دو آیه‌ای که دستور اتحاد و یکپارچگی می‌دهد، نشان‌دهنده این است که امر به معروف و نهی از منکر باعث یکپارچگی جامعه می‌شود.





این آیه ابتدا به ضرورت وجود یک «امت» اشاره می‌کند که به معنای گروهی از مؤمنان است که در کنار هم برای تحقق اهداف خیرخواهانه تلاش می‌کنند. این امت باید به طور فعال در راستای دعوت به خیر عمل کند، که شامل تشویق دیگران به انجام کارهای نیک و مثبت در زندگی اجتماعی و فردی است.

امر به معروف در این آیه به معنای امر کردن افراد به انجام اعمال پسندیده و اخلاقی است. این عمل نه تنها یک وظیفه دینی بلکه یک مسئولیت اجتماعی است که افراد را ملزم می‌کند تا در برابر یکدیگر پاسخگو باشند. امر به معروف، موجب تقویت ارزش‌های اخلاقی در جامعه می‌شود و فضایی را ایجاد می‌کند که در آن افراد با انگیزه بیشتری به سوی نیکی حرکت کنند. از سوی دیگر، نهی از منکر بر لزوم جلوگیری از رفتارهای ناپسند تأکید دارد. این بخش از آیه نشان‌دهنده مسئولیت اجتماعی افراد در برابر یکدیگر است. عدم واکنش در برابر منکرات می‌تواند منجر به تضعیف ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی شود و عواقب ناگواری برای جامعه به همراه داشته باشد. بنابراین، نهی از منکر به عنوان یک اقدام پیشگیرانه عمل می‌کند که هدف آن حفظ سلامت اجتماعی و اخلاقی جامعه است. در پایان آیه، خداوند بیان می‌کند که «أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»،





یعنی کسانی که به این اصول پایبندند، موفق و رستگار خواهند بود. این جمله نشان‌دهنده پاداش الهی برای افرادی است که در راستای خیر و نیکی تلاش می‌کنند.



بهترین امت

آل عمران ۱۱۰

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا
لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ
 الْأُمُورُ ﴿١١٩﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ
 بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ
 آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ
 وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٢٠﴾ لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَذَىٰ وَإِنْ
 يُقَاتِلُوكُمْ يُؤَلُّوكُمُ الْأَدْبَارُ ثُمَّ لَا يُنصِرُونَ ﴿١٢١﴾ ضَرِبَتْ
 عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تَقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مَنَ
 النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ
 ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ
 الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١٢٢﴾
 ❖ لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ
 آيَاتِ اللَّهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١٢٣﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
 وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٢٤﴾ وَمَا
 يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١٢٥﴾



شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی،) ایمان آورند، برای آن‌ها بهتر است! (ولی تنها) عده کمی از آن‌ها با ایمانند، و بیشتر آن‌ها فاسق‌اند، (و خارج از اطاعت پروردگار)^۱

شعر:

و هستید خود امتی بهترین	پدیدار از مردم [بی‌قرین]
دهید امر بر کرده‌های نکو	و بر فعل زشت کسان نهی گوی
و دارید ایمان به [ذات] خدای	واهل کتاب [ار بسان شمای]
بیارید ایمان به پروردگار	برآنسان بود بهتر این‌گونه کار
از ایشان گروهی بایمان درند	و بدکارهاشان فراوان‌ترند ^۲

۱. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ذیل آیه ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران

۲. ترجمه منظوم قرآن، امید مجد



شان نزول:

ضحاک گوید: درباره اصحاب مخصوص و ویژه رسول خدا ﷺ نازل گردیده است.

در تفسیر برهان از خاصه از ابوبصیر او از امام صادق ﷺ نقل نمایند که این آیه درباره رسول خدا ﷺ و اوصیاء خاص او نازل شده است.^۳

داستان:

در یکی از روزهای بسیار گرم، امام علی علیه السلام که خسته و عرق کرده به مقر حکومت بازمی‌گشت، با صحنه‌ای مواجه شد که توجهش را جلب کرد. زنی در جلوی در ایستاده بود و با چهره‌ای نگران به او نزدیک شد. او با صدایی لرزان گفت: «یا امیرالمؤمنین، شکایتی دارم. شوهرم به من ظلم کرده و مرا از خانه بیرون کرده است. او مرا تهدید کرده که اگر به خانه برگردم، مرا کتک خواهد زد. اکنون به دادخواهی شما آمده‌ام.» امام علی علیه السلام با دلسوزی به او پاسخ داد: «بنده خدا، الان هوا خیلی گرم است. صبر کن تا کمی هوا بهتر شود، سپس با تو می‌آیم و به کارت رسیدگی می‌کنم.» اما زن با نگرانی ادامه داد: «اگر در بیرون بمانم، می‌ترسم که خشم شوهرم بیشتر شود و او مرا بیشتر آزار دهد.»

۳. محمدباقر محقق، نمونه بینات در شان نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، ص ۱۳۹.





امام علی علیه السلام لحظه‌ای سرش را پایین انداخت و سپس با اراده‌ای محکم گفت: «بگو خانه‌تان کجاست؟» زن نشانی خانه‌اش را داد و امام همراه با او به در خانه‌شان رفت. وقتی به در رسیدند، امام بلند فریاد زد: «اهل خانه، سلام علیکم!» جوانی که شوهر زن بود، بیرون آمد. او که امام را نمی‌شناخت، با دیدن این پیرمرد متوجه شد که همسرش برای حمایت به او مراجعه کرده است.

امام علی علیه السلام با صداقت و صراحت گفت: «این بانو که زن توست، از تو شکایت دارد. او می‌گوید تو به او ظلم کرده‌ای و تهدیدش نموده‌ای. من آمده‌ام تا به تو بگویم از خدا بترس و با همسرت نیکی کن.»

جوان با بی‌احترامی پاسخ داد: «به تو چه مربوط است که من با زخم چگونه رفتار کنم؟ بله، من او را تهدید کرده‌ام، اما حالا که او تو را آورده، من او را زنده زنده آتش می‌زنم!»

امام علی علیه السلام با آرامش ولی قاطعیت پاسخ داد: «من آمده‌ام تا تو را اندرز دهم. آیا خیال کرده‌ای دنیا بی‌حساب است؟» صحبت‌های امام باعث شد تا مردم عابر از گوشه و کنار جمع شوند و هر کس که می‌آمد، در مقابل حضرت احترام می‌گذاشت و می‌گفت: «السلام علیک یا امیرالمؤمنین.»





جوان مغرور که تازه متوجه مقام والای امام شده بود، خود را باخت و به التماس افتاد: «یا امیرالمؤمنین، مرا ببخش. من از خطای خود پشیمانم و قول می‌دهم از این پس مطیع زنم باشم و هر چه فرمان دهد، اطاعت کنم.»

امام علی علیه السلام رو کرد به آن زن و فرمود: «اکنون برو به خانه خود، اما تو نیز مواظب باش طوری رفتار نکنی که او را به این‌گونه اعمال وادار کنی.» این داستان نه تنها بیانگر اهمیت امر به معروف و نهی از منکر است بلکه نشان‌دهنده‌ی رویکرد عادلانه امام علی علیه السلام در برخورد با دو طرف ماجرا نیز می‌باشد. ایشان نه تنها از زن حمایت کردند بلکه شوهر را نیز به رفتار نیکو دعوت کردند. این داستان یادآور این نکته مهم است که در امر به معروف باید انصاف رعایت شود و همواره باید تلاش کرد تا هر دو طرف مورد توجه قرار گیرند. در نهایت، این روایت نشان‌دهنده‌ی نقش کلیدی امر به معروف در جامعه اسلامی است؛ چراکه این عمل نه تنها موجب اصلاح فردی بلکه باعث تقویت بنیان‌های اجتماعی نیز خواهد شد.^۴

۴. داستان راستان (یکجلدی)، صص ۳۹۴-۳۹۷ به نقل از بحارالانوار، ج ۹، چاپ تبریز، ص ۵۹۸. قال رسول الله ﷺ: من ضرب امراه بغیر حق فانا خصمه یوم القیامه لا تضربوا نساءکم فمن ضربها بغیر حق فقد عصی الله و رسوله . پیامبر خدا ﷺ فرمود هر کس عیال خود را بدون هیچ حقی بزند، من در روز قیامت دشمن اویم. زنید زنان خود را، هر کس بی‌حق آنها را بزند از فرمان خدا و رسول سرپیچی کرده است (واعظ خانواده به نقل از ارشاد القلوب دیلمی، ص ۲۹۱)





از نکاتی که بایستی در امر به معروف و نهی از منکر رعایت نمود این است که در عین خویشتن داری و رعایت حق، بایستی انصاف را نیز رعایت کرد. چنانکه حضرت نیز به دو طرف توصیه فرمودند و جانب یک نفر را نرفتند.

تمثیل:

امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

به ساعتان نگاه کنید؛ این چرخ دنده‌های ساعت، در هم دنده شده‌اند. دنده‌هایشان داخل هم است؛ یکی که می‌چرخد، دیگری را هم می‌چرخاند. امر به معروف، یعنی اینکه دنده‌ی یکی در دنده‌ی دیگری گیر کند. امر به معروف، دنده است؛ ترک امر به معروف، یعنی خلاص کردن! خلاص کردن یعنی اینکه یکی بچرخد و دیگری نچرخد. وقتی امر به معروف و نهی از منکر ترک می‌شود، یعنی این چرخ و آن چرخ از هم دور شده‌اند؛ زده‌ای توی خلاص! این می‌چرخد، اما آن دیگری نمی‌چرخد. دنده‌ی فرد نمی‌خورد به دنده‌ی جمع؛ یعنی خوبی فرد، سرایت به دیگری نمی‌کند. خوبی‌ها وقتی شخصی شد و امر به معروف تعطیل شد، این دارد برای خودش می‌چرخد و آن دیگری هم دارد برخلاف آن می‌چرخد و منکرش را انجام می‌دهد. نتیجه‌اش این است که «مجموعه‌ی جامعه»





نمی چرخد. گاهی انسان زورش نمی رسد دیگری را بچرخاند، می زند در خلاص؛ خودش در زندگی شخصی اش یک آدم سالمی است، اما در زندگی اجتماعی دنده اش به دیگران گیر نمی کند. می خواهد اگر دیگران در غفلت می روند، او در غفلت نرود؛ اگر دیگران نمازشان را به تأخیر می اندازند، او به تأخیر نیاندازد؛ از این رو دنده را خلاص می کند تا بتواند نمازش را سر وقت بخواند. اما نه، هنر این است که در عین اینکه انسان نمازش را سر وقت می خواند، در دنده هم بزند.^۵

نکات:

۱. بهترین امت بودن با شعار نیست، با ایمان و امر به معروف و نهی از منکر است. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ... تَأْمُرُونَ...»
۲. در امت ساکت و ترسو خیری نیست. «خَيْرَ أُمَّةٍ... تَأْمُرُونَ... تَنْهَوْنَ»
۳. امر به معروف و نهی از منکر به قدری مهم است که انجام آن معیار امتیاز امت هاست. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ»
۴. امر به معروف و نهی از منکر، در صورتی محقق می شود که مسلمانان به شکل یک امت باشند، یعنی حاکمیت داشته باشند. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ»
۵. مسلمانان مسئول اصلاح تمام جوامع بشری هستند. «أَخْرَجَتِ لِلنَّاسِ»
۶. سفارش به خوبی ها بدون مبارزه با فساد، کم نتیجه است.

۵. تمثیلات آیت الله حائری شیرازی ذیل مبحث امر به معروف و نهی از منکر





«تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

۷. هر یک از افراد امت باید امر به معروف و نهی از منکر کند. (یک دختر ۹ ساله نیز حق امر به معروف و نهی از منکر رئیس جمهور را دارد) «تَأْمُرُونَ... تَنْهَوْنَ»
۸. در امر به معروف، سن، منطقه، نژاد، سواد و موقعیت اقتصادی و اجتماعی نقشی ندارد. «خَيْرُ أُمَّةٍ... تَأْمُرُونَ... تَنْهَوْنَ»
۹. مسلمان باید از موضع قدرت امر و نهی کند، نه از روی خواهش و التماس. «تَأْمُرُونَ... تَنْهَوْنَ»
۱۰. امر به معروف، مقدم بر نهی از منکر است. «تَأْمُرُونَ... تَنْهَوْنَ»
۱۱. امر و نهی ای می تواند مؤثر باشد که از ایمان مایه گرفته باشد. «تَأْمُرُونَ، تَنْهَوْنَ، تُؤْمِنُونَ»
۱۲. خداوند اهل کتاب را به اسلام دعوت می کند. «وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ»

تحلیل آیه:

این آیه تصریح می کند که بهترین امت ها به دلیل دعوت و امر به خوبی ها و نهی از زشتی ها شناخته می شوند. این آیه بیانگر مسئولیت جمعی مؤمنان است که باید یکدیگر را به نیکی دعوت و امر کنند و از زشتی ها دور نگه دارند. این عمل نه تنها نشان دهنده ایمان فردی، بلکه نشانه ای از سلامت جامعه است.



در قرآن، ایمان به خدا و روز قیامت به تنهایی کافی نیست؛ بلکه عمل به معروف و نهی از منکر نیز ضروری است. این نشان دهنده‌ی ارتباط عمیق بین ایمان و عمل صالح در زندگی اجتماعی است. قرآن در آیات دیگر، مانند سوره مائده (۷۸:۵-۷۹)، عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر را به شدت نکوهش کرده و بر لزوم این فریضه تأکید می‌کند. بهترین بودن امت اسلامی در گرو عمل به این دو فریضه است، که نشان دهنده‌ی نقش کلیدی آن‌ها در حفظ سلامت اخلاقی و اجتماعی جامعه است.

بنابراین آیه "كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ" بر ضرورت و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر تأکید دارد و نشان می‌دهد که این دو فریضه نه تنها وظیفه‌ای فردی، بلکه مسئولیتی جمعی برای مؤمنان است تا جامعه‌ای سالم و متعالی بسازند.



وپیڑگی صالحان

آل عمران ۱۱۴

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ
 الْأُمُورُ ﴿١١٩﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ
 بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ
 آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِمَّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ
 وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿١٢٠﴾ لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَذَىٰ وَإِنْ
 يُقَاتِلُوكُمْ يُؤَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصِرُونَ ﴿١٢١﴾ ضَرَبَتْ
 عَلَيْهِمُ الذَّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ
 النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ
 ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ
 الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿١٢٢﴾
 ❖ لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتَّبِعُونَ
 آيَاتِ اللَّهِ أَنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ﴿١٢٣﴾ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ
 وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٢٤﴾ وَمَا
 يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ﴿١٢٥﴾



به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند؛ و در انجام کارهای نیک، پیشی می‌گیرند؛ و آنها از صالحان‌اند.^۱

شعر:

بیارند ایمان به پروردگار و ایمان [قلبی] به روز شمار
و فرمان به افعال نیکو دهند و بر نهی از فعل بد رو نهند
و در عرصه خیر [و کسب ثواب] بجویند بر هم [سباق و] شتاب
و این مردمان [در شعار و دثار]^۲ بباشند از صالحان [در شمار]^۳

شان نزول:

در منابع شان نزولی که برای این آیه بیان شده است به این صورت است که: از عبدالله بن مسعود روایت شده که شبی رسول خدا ﷺ

۱. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ذیل آیه ۱۱۴ سوره مبارکه آل عمران.
۲. ۱ - جامه رویین روپوش لباس رویی مقابل شعار که زیرپوش است. ۲ - جامه ای که بالای شعار می پوشند مانند: جبهه و فرجی و غیره. (فرهنگ فارسی).
۳. ترجمه منظوم قرآن، امید مجد.



نماز عشاء را به تأخیر انداخته بود. وقتی که به مسجد رفت، مردم به حالت انتظار نشسته بودند، به آن‌ها فرمود، آگاه باشید کسی از اهل سایر ادیان در چنین موقعی مانند شما به یاد خداوند نیست؛ سپس آیه ۱۱۳ با این آیات (۱۱۴، ۱۱۵) نازل گردید.^۴

روایتی نقل شده است که با توجه به معرفی طیف خاصی از مؤمنان در آیه، در برخی منابع ذیل آیه کریمه فوق نقل شده است. امام باقر علیه السلام فرمودند: خداوند، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یارانش را مالک مشرق‌ها و مغرب‌های زمین می‌کند و دین را به وسیله‌ی او ظاهر می‌کند و همان‌گونه که نادان‌ها حق را از بین بردند، بدعت‌ها و باطل را به وسیله‌ی او و یارانش از بین می‌برد تا جایی که ظلم در هیچ‌جا به چشم نمی‌خورد و به نیکی امر می‌کنند و از منکر باز می‌دارند.^۵

داستان:

در دنیای امروز، محبت و خیررسانی به دیگران از مهم‌ترین ارزش‌هاست. اگر در حین این محبت، به امر به معروف و نهی از

۴. محمدباقر محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه، ص ۱۴۱.

۵. الباقر علیه السلام - المهدی علیه السلام وَأَصْحَابِهِ يَمْلِكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا وَيُظْهِرُهُ بِه الدِّينَ وَيُمِيتُ اللَّهُ بِهِ وَبِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَالْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتِ الشُّفَهَاءُ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَيْنَ الظُّلْمَ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۲، ص ۷۴۲ - بحار الأنوار، ج ۵، ص ۴۷).





منکر نیز پردازیم، تأثیر بیشتری خواهد داشت. این آموزه‌ای است که از سیره اهل بیت علیهم‌السلام و به ویژه امام صادق علیه‌السلام به ما رسیده است. روزی به دستور منصور، صندوق بیت المال باز شده بود و افراد مختلف برای دریافت سهمی از آن صف کشیده بودند. در میان این افراد، شخصی به نام «شقرانی» نیز حضور داشت. او که به خاطر انتسابش به خاندان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، «مولی رسول الله» نامیده می‌شد، برای دریافت سهم خود آمده بود؛ اما متأسفانه، کسی او را نمی‌شناخت و او نمی‌توانست سهمی برای خود بگیرد.

شقرانی با وجود اینکه یکی از اجدادش برده بوده و رسول خدا او را آزاد کرده بود، احساس افتخار می‌کرد که به این طریق خود را وابسته به خاندان رسالت می‌داند؛ اما در آن لحظه، نگرانی و اضطراب بر او غلبه کرده بود؛ چرا که نمی‌توانست سهم خود را دریافت کند.

در همین حال، شقرانی چشمش به امام صادق علیه‌السلام افتاد. جلو رفت و حاجت خود را بیان کرد. امام با کمال محبت و احترام به او گوش داد و پس از مدتی، سهمی برای شقرانی گرفت و با خود آورد. زمانی که امام صادق علیه‌السلام سهم را به شقرانی داد، با لحنی

ملاطفت‌آمیز و دلنشین گفت: «کار خوب از هر کسی خوب است؛ ولی از تو به واسطه انتسابی که با ما داری و تو را وابسته به خاندان





رسالت می‌دانند، خوب‌تر و زیباتر است و کار بد از هر کس بد است، ولی از تو به خاطر همین انتساب زشت‌تر و قبیح‌تر است. این جمله‌ی عمیق امام نه تنها نشان‌دهنده محبت او بود، بلکه به طور غیر مستقیم شقرانی را متوجه عیبش کرد. امام با این کلام نشان داد که او از سرّ شقرانی، یعنی شرابخواری‌اش آگاه است. با شنیدن این جمله، شقرانی احساس شرمساری کرد. او متوجه شد که امام نه تنها او را مورد محبت قرار داده، بلکه در عین حال عیبش را نیز یادآوری کرده است. این رویکرد غیر مستقیم امام صادق علیه السلام در نهی از منکر تأثیر عمیقی بر وجدان شقرانی گذاشت. او در دل خود را ملامت کرد و تصمیم گرفت تغییر کند.^{۶۷} این داستان نشان‌دهنده‌ی این است که محبت می‌تواند ابزاری مؤثر در امر به معروف و نهی از منکر باشد. رویکرد غیر مستقیم امام صادق علیه السلام نه تنها باعث شد که شقرانی احساس شرمساری کند، بلکه او را به تفکر درباره رفتارهای ناپسندش وا داشت. این روش

۶. داستان راستان، ج ۱، ص ۱۷۳ به نقل از الانوار البهیة ی محدث قمی، ص ۷۶
 ۷. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: اربع حق على الله تعالى ان لا يدخلهم الجنة ولا يذيقهم نعيمها: مدمن خمر و اكل الربا و اكل مال اليتيم بغير حق و العاق لوالديه . چهار کس را خداوند به بهشت در نیاورد و از نعيم آن نچشاند: شرابخوار، و ربأخوار، آن کس که مال یتیم را به ناحق خورد، و آن کس که پدر و مادر از او ناخشنود باشد. (داستان راستان، ج ۱، ص ۱۷۳ به نقل از الانوار البهیة ی محدث قمی، ص ۷۶)





می‌تواند الگویی برای ما باشد تا در زندگی روزمره‌مان با محبت و احترام بیشتری نسبت به یکدیگر عمل کنیم و در عین حال دیگران را به سمت خوبی‌ها هدایت کنیم.

تمثیل:

یک کشاورز در مزرعه‌اش بذر می‌کاشت، همین‌طور که بذر را به اطراف می‌پاشید؛ بعضی در مسیر کشتزار می‌افتادند و پرنده‌ها می‌آمدند و آن‌ها را می‌خوردند، بعضی نیز روی خاکی می‌افتاد که زیرش سنگ بود، که بذرهای آن خاک کم، خیلی زود سبز می‌شدند، ولی وقتی خورشید سوزان روی آنها می‌تابید، همه می‌سوختند و از بین می‌رفتند، زیرا ریشه‌ای عمیق نداشتند. بعضی از بذرهای لابه‌لای خارها افتاده و خارها و بذرهای با هم رشد می‌کردند و ساقه‌های جوان گیاه زیر فشار خارها خفه می‌شدند، ولی مقداری از این بذرهای روی خاک خوب افتاده، از هر بذر، ده‌ها و حتی صد دانه‌ی دیگر بدست می‌آمد.

مسیر کشتزار که بذرهای آن افتاده، دل سخت کسی را نشان می‌دهد، که گرچه مژده‌ی سعادت از سوی خداوند را می‌شنود، ولی آن را نمی‌فهمد، بعد شیطان سر می‌رسد و دانه‌ها را از قلب او می‌دزدد.





درست مثل کسی که امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کند و سختی‌های امر به معروف را به جان نمی‌خرد؛ چراکه نمی‌داند صلاحش در چیست و به واسطه سرسختی جاهلانه‌اش، زمینه پذیرش حق و گرایش به معروف و اجتناب از منکر در او وجود ندارد. دست رد بر سینه‌ی خیرخواه خود می‌گذارد و به سوی دشمنانش دست دوستی دراز می‌کند.

خاکی که زیرش سنگ بود، دل کسی را نشان می‌دهد که تا پیغام خدا را می‌شنود، فوری با خوشحالی آن را قبول می‌کند، ولی چون آن را سرسری می‌گیرد، این پیغام در دل او ریشه ای نمی‌دواند و تا آزار و اذیتی به خاطر ایمانش می‌بیند شور و حرارتش را از دست می‌دهد و از ایمان بر می‌گردد. درست شبیه کسانی که ایمان را با عافیتش می‌خواهند و حاضر نیستند در مسیر دین رنج و سختی را تحمل کنند. اینان به شدت از انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر گریزان هستند و آن را تهدیدی برای خود تلقی می‌کنند.

زمینی که از خارها پوشیده شده بود، حالت کسی را نشان می‌دهد که پیغام خدا را می‌شنود، ولی نگرانی‌های زندگی و عشق به پول، کلام خدا را در او خفه می‌کنند و او خدمت موثری برای خدا نمی‌کند. اینها نیز از امور واجب غافل‌اند و در فریضه امر به معروف و





نهی از منکر، دچار تعارض منافع می‌شوند و اینجاست که منفعت ظاهری خود را بر واجب الهی ترجیح می‌دهند.

و اما زمین خوب، دل کسی را نشان می‌دهد که به پیغام خدا گوش می‌دهد و آن را می‌فهمد و این پیغام را به دیگران نیز می‌رساند و افراد زیادی به آن ایمان می‌آورند.

این چنین انسانی فقط به رشد و اصلاح خود نمی‌اندیشد؛ بلکه اصلاح جامعه را نیز مهم می‌شمرد و درصدد آن بر می‌آید و حتی رشد جامعه را رشد و تعالی خود می‌داند. پس در کنار تعالی فردی با ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر سعی دارد محیط اطراف خود را نیز سالم سازد.

روشن است؛ ایمانی قوی و ریشه‌دار است که از مرحله‌ی فردی فراتر رفته، به یک مسئولیت اجتماعی ارتقا یافته، مؤثر و کارساز باشد و انسانی که چنین ایمانی دارد، می‌تواند با دعوت و تبلیغ خود، با امر به معروف و نهی از منکر نمودن، علاوه بر خود، دیگران را نیز به سمت ایمان واقعی هدایت و راهنمایی کند.

۱. امر به معروف و نهی از منکر، در ادیان دیگر نیز مطرح بوده است. «أَهْلِي الْكِتَابِ (در آیه قبل)... يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ»
۲. سجده‌های سحر باید همراه با امر و نهی در روز باشد. «يَسْجُدُونَ ... يَأْمُرُونَ»





۳. سرعت در کار خیر، ارزش آن را بیشتر می‌کند. «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ»

۴. سبقت و سرعت صالحان در نیکی‌ها، موسمی نیست دائمی است. (یسارعون)

۵. افراد صالح، کسانی هستند که با نشاط و شتاب، به سراغ هرکار خیری می‌روند، نه فقط بعضی از کارها. (الخیرات)

۶. ایمان، عبادت، تلاوت، امر به معروف و نهی از منکر و سرعت در کار خیر انسان را در زمره صالحان می‌برد. (أُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ)^۸

تحلیل آیه:

۷. همان‌گونه که در سوره‌ی بقره آیه ۳، در کنار ایمان، نماز مطرح شده است، «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» در این آیه نیز در کنار ایمان، امر به معروف و نهی از منکر آمده است.

شیوه‌ی قرآن این است که امر به معروف را قبل از نهی از منکر می‌آورد و اگر درهای معروف باز شود، راه منکر بسته می‌شود.

امر به ازدواج (خصوصاً ازدواج آسان که برای عموم مردم ممکن باشد)، جلوی فحشا را می‌گیرد.



۸. تفسیر نور ذیل آیه فوق



امر به نماز، انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد.
امر به اشتغالِ صحیح می‌تواند مانع فسادهای اجتماعی گردد.
شخصیت دادن و تکریم افراد، اثر امر به معروف و نهی از منکر را
افزایش می‌دهد و پذیرش آن را بیشتر می‌سازد و باعث می‌شود تا
آنان را از انحراف و سقوط باز دارد.^۹



۹. تفسیر نورذیل آیه فوق (با اندکی تغییر).

امربه معروف در تورات وانجيل

اعراف ١٥٧

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ
وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ
عَلَيْهِمُ الْحَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ
آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.

وَكَتُبْنَا لَهُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا
 هُنَا إِلَيْكَ قَالِ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي
 وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ
 الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٥٦﴾ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ
 الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ
 فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ
 الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ
 عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ
 آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ
 أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿١٥٧﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ
 اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
 لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ
 الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ
 ﴿١٥٨﴾ وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ﴿١٥٩﴾



همان‌ها که از فرستاده (خدا)، پیامبر «امی» پیروی می‌کنند؛ پیامبری که صفاتش را، در تورات و انجیلی که نزدشان است، می‌یابند؛ آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد، و از منکر باز می‌دارد؛ پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد، و ناپاکی‌ها را تحریم می‌کند؛ و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت و یاری‌اش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگاران‌اند.^۱

شعر:

و پاک‌ها بنموده حلال [در عالم] پلیدها را تحریم کرده [بر آدم]
[همان] که باز کند قید و بندهای گران که گشته بود مقرر ز پیش بر ایشان
هر آن‌که ایمان بر آن رسول آورده [و در حوادث ایام] یاری‌اش کرده
[و مطلقاً] بنموده است پیروی ز آن نور که بانبی [گرانی] نموده است ظهور

۱. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ذیل آیه ۱۵۷ سوره مبارکه اعراف.



[هرآن کسان که براین راه رهسپاران اند] [یقیناً که اینان از قوم رستگاران اند]^۲

شان نزول:

در مورد آیه مذکور، شواهدی از شان نزول در منابع موجود نیست؛ اما به مناسبت بحث، روایتی جالب از امام باقر علیه السلام نقل می‌کنیم. ابو عبیده حذاء در این روایت می‌گوید: امام علیه السلام در بخشی از این روایت به این آیه اشاره کرد و فرمود: *يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ*؛ به این معناست که پیامبر صلی الله علیه و آله و وصی او در زمان قیامشان مردم را به کارهای نیک دعوت کرده و از کارهای زشت نهی می‌کنند. و منکر کسی است که فضل امام را انکار کرده باشد.^۳

۲. ترجمه منظوم قرآن، امید مجد

۳. الباقر علیه السلام - عَنْ أَبِي عَبِيدَةَ الْحَذَاءِ قَالَ: ... ثُمَّ قَالَ علیه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَعْنِي النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله وَالْوَصِيَّ وَالْقَائِمَ بِأَمْرِهِمْ بِالْمَعْرُوفِ إِذَا قَامَ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْمُنْكَرُ مَنْ أَنْكَرَ فَضْلَ الْإِمَامِ وَ جَحَدَهُ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ الْخَبَائِثُ قَوْلٌ مَنْ خَالَفَ وَ بَضَعَ عَنْهُمْ إِضْرَهُمْ وَ هِيَ الذُّنُوبُ الَّتِي كَانُوا فِيهَا قَبْلَ مَعْرِفَتِهِمْ فَضْلَ الْإِمَامِ وَ الْأَعْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ وَ الْأَعْلَالُ مَا كَانُوا يَقُولُونَ مِمَّا لَمْ يَكُونُوا أَمْرًا بِهِ مِنْ تَرْكِ فَضْلِ الْإِمَامِ فَلَمَّا عَرَفُوا فَضْلَ الْإِمَامِ وَضَعَ عَنْهُمْ إِضْرَهُمْ وَ الْإِضْرُ الذَّنْبُ وَ هِيَ الْأَصَارُ ثُمَّ نَسَبْتَهُمْ فَقَالَ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ يَعْنِي بِالْإِمَامِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا التَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ أَوْلَيْكَ هُمْ الْمُفْلِحُونَ يَعْنِي الَّذِينَ اجْتَنَبُوا الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَ الْجِبْتِ وَ الطَّاغُوتِ فَلَانَ وَ فَلَانَ وَ الْعِبَادَةَ طَاعَةَ النَّاسِ لَهُمْ. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۵، ص ۳۴۸ - الکافی، ج ۱، ص ۴۲۹ / بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۳۵۳ / وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۶۷ / نور الثقلین / البرهان / تأویل الآیات الظاهره، ص ۱۸۵)



داستان:

رفیق شهید ابراهیم هادی می‌گوید: از خیابان ۱۷ شهریور عبور می‌کردیم. من روی موتور پشت سر ابراهیم بودم. ناگهان یک موتورسوار دیگر با سرعت از داخل کوچه وارد خیابان شد. پیچید جلوی ما و ابراهیم شدید ترمز کرد.

جوان موتورسوار که قیافه و ظاهر درستی هم نداشت، داد زد: هو! چیکار می‌کنی؟! بعد هم ایستاد و با عصبانیت ما را نگاه کرد. همه می‌دانستند که او مقصر است. من هم دوست داشتم ابراهیم با آن بدن قوی پایین بیاید و جوابش را بدهد.

ولی ابراهیم با لبخندی که روی لب داشت، در جواب عمل زشت او گفت: سلام خسته نباشید!

موتورسوار عصبانی یک دفعه جا خورد. انگار توقع چنین برخوردی را نداشت. کمی مکث کرد و گفت: سلام، معذرت می‌خوام، شرمنده. بعد هم حرکت کرد و رفت. ما هم به راهمان ادامه دادیم.

ابراهیم در بین راه شروع به صحبت کرد. سوالاتی را که در ذهنم ایجاد شده بود، جواب داد:

دیدی چه اتفاقی افتاد؟ با یک سلام عصبانیت طرف خوابید. تازه معذرت خواهی هم کرد. حالا اگر می‌خواستم من هم داد بزنم و دعوا کنم جز این که اعصاب و اخلاقم را به هم بریزم، هیچ کار دیگری نمی‌کردم.





روش امر به معروف و نهی از منکر ابراهیم هادی در نوع خود بسیار جالب بود. اگر می‌خواست بگوید که کاری را نکن سعی می‌کرد غیر مستقیم باشد مثلاً به دلایل بدی آن کار از لحاظ پزشکی، اجتماعی و... اشاره می‌کرد تا شخص، خودش به نتیجه لازم برسد. آن‌گاه از دستورات دین برای او دلیل می‌آورد.^۴

تمثیل:

برای داشتن محصول مرغوب و مناسب بایستی چند چیز را در نظر گرفت و رعایت نمود. مرغوبیت زمین و بذر و آب و نیز مراقبت از محصول و جلوگیری از آفت‌زدگی.

برای داشتن جامعه سالم هم بایستی تک تک افراد جامعه که تشکیل دهنده و به‌وجودآورنده جامعه هستند دارای خصوصیات باشند که نهایتاً منجر به سالم‌سازی جامعه گردد.

اول اینکه در آیات و روایات به نقش لقمه حلال در تربیت انسانی تأکید بسزایی شده است. لقمه حلال، غذای سالم جسم است و علم نافع و فکر سالم و درست غذای سالم روح و روان انسان است. همچنان‌که برای ساختن یک ساختمان محکم بایستی مصالح ساختمانی هم مناسب باشد و نمی‌شود انتظار داشت با مصالح بی‌کیفیت ساختمانی استوار و محکم ساخت.

۴. برشی از کتاب سلام بر ابراهیم؛ ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰.



برای رسیدن انسان به سعادت، همین مقدار کفایت نمی‌کند و در کنار این امر بایستی مراقب بود که کار به درستی پیش برود، هم در تولید محصول، هم در پیشرفت ساختمان و هم در ساختن جامعه. این کار نیاز به مراقبت دارد. باغبان برای حفظ محصول و مهندس ناظر برای حفظ کیفیت ساختمان و در جامعه نیز لازم است که افراد جامعه اهل امر به معروف و نهی از منکر باشند و شیوه درست آن را یاد بگیرند تا از کجروی در جامعه جلوگیری نمایند.

نکات:

۱. پیامبر اسلام هم مقام نبوت داشت، هم مقام رسالت. (الرَّسُولُ النَّبِيُّ)؛ «نبی» به کسی می‌گویند که از وحی الهی آگاهی دارد و خبر می‌دهد، ولی «رسول» مسئول ابلاغ، اجرا و نظارت هم می‌باشد.
۲. نشانه‌ها و صفات ذکر شده از پیامبر در تورات و انجیل، به گونه‌ای با حضرت تطبیق داشت که گویا خود او را در آن دو کتاب می‌یافتند. (يَجِدُونَهُ) و نفرمود: «يَجِدُونَ عَلَاتِمَهُ» .
۳. برای نفوذ سخن و اثبات حق، مدرک رسمی و سند کتبی لازم است. (مَكْتُوبًا)
۴. پیامبران پیشین، به آمدن پیامبر اسلام بشارت داده‌اند. (مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ ...)





۵. امر به معروف و نهی از منکر، در رأس برنامه‌های بعثت پیامبران است. (يَا مُرَّهُم بِالْمَعْرُوفِ ...).
۶. موضوع مصرف و تغذیه، مورد عنایت اسلام است. يُحِلُّ ... يُحَرِّمُ (قبل از نزول قرآن، یهود و نصارا در دام خرافات و برنامه‌های طاقت‌فرسا و تحریم حلال‌ها و بدعت‌گذاری‌ها بودند که با ظهور اسلام، تمام آنها برداشته شد).
۷. برای اصلاح جامعه، ابتدا باید امکانات حلال را فراهم کرد، سپس برای امور حرام، محدودیت ایجاد نمود. (يُحِلُّ)، قبل از «يُحَرِّمُ» است).
۸. حلال‌ها و حرام‌های الهی، بر اساس فطرت است. «يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ» («طیب»، به چیزی گفته می‌شود که مطابق طبع انسان باشد).
۹. عادات و رسوم غلط، زنجیری بر افکار مردم است. انسان بدون انبیا، وابسته و اسیر است. (يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ).
۱۰. احترام و تکریم، باید همراه امداد و تعاون باشد. «عَزَّوهُ وَنَصَرُوهُ» («عَزَّوهُ» از «تعزیر»، به معنای حمایت با شمشیر است و مراد کسانی هستند که پیامبر اسلام را در جبهه‌ها یاری می‌کردند).
۱۱. تنها ایمان به پیامبر ﷺ کافی نیست، حمایت هم لازم است. «عَزَّوهُ ... نَصَرُوهُ».



۱۲. قرآن، نوری است که دل‌ها و اندیشه‌ها را روشن می‌کند و همواره قرین پیامبر ﷺ بود. «النُّورُ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ» (نبوت پیامبر، همراه قرآن و از طرف خدا نازل شده است).

۱۳. عامل رستگاری و فلاح، ایمان و حمایت از پیامبر و پیروی از قرآن است. «فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَآتَّبَعُوا... أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

تحلیل آیه:

این آیه به خوبی بیان می‌دارد که برای داشتن یک جامعه ایمانی و سالم بایستی برخی اعمال پیشگیرانه و زمینه‌ای انجام داد و برخی اعمال تداومی و درمان‌گرایانه.

اعمال زمینه‌ای و پیشگیرانه نظیر لقمه حلال و پاکیزه که زمینه رشد و تعالی انسان را پدید می‌آورد و اعمال تداومی و درمانگر (نظیر امر به معروف و نهی از منکر) که تنظیم‌کننده افراد و جامعه ایمانی است. در این آیه، خداوند به چندین نکته کلیدی اشاره می‌کند که درک عمیق‌تری از مفهوم «آزادی اجتماعی» و نقش «امر به معروف و نهی از منکر» در آن از نکات قابل توجه می‌باشد.

آزادی اجتماعی به معنای حق انسان‌ها برای اندیشیدن، انتخاب کردن و... است. این نوع آزادی در اسلام به عنوان یک اصل اساسی شناخته می‌شود که باید در چارچوب‌های اخلاقی و انسانی قرار گیرد. آزادی اجتماعی نه تنها به فرد اجازه می‌دهد تا در زندگی خود





تصمیم بگیرد، بلکه مسئولیت‌هایی را نیز به او محول می‌کند. امر به معروف و نهی از منکر موجب می‌شود که حقوق افراد در جامعه رعایت شود. وقتی افراد به یکدیگر یادآوری و امر می‌کنند که چه چیزهایی خوب و چه چیزهایی بد است، در واقع به حفظ حرمت‌ها و حقوق انسانی کمک می‌کنند.

و با جلوگیری از رفتارهای ناپسند و امر به کارهای نیکو، این دو مفهوم مانع از ایجاد شرایطی می‌شوند که ممکن است آزادی‌های فردی و اجتماعی را تهدید کند. برای مثال، فساد یا تبعیض اجتماعی می‌تواند آزادی‌های افراد را محدود کند.

آیه مورد بحث نشان می‌دهد که پیامبر اسلام با «امر به معروف» و «نهی از منکر» غل‌ها و زنجیرهای تحمیلی را از دوش انسان‌ها برمی‌دارد و با این کار، پیامبر نه تنها آزادی فردی را تأمین می‌کند، بلکه زمینه‌ای برای رشد اخلاقی و معنوی جامعه را فراهم می‌آورد. بنابراین آیه ۱۵۷ سوره اعراف نشان‌دهنده‌ی ارتباط تنگاتنگ بین

آزادی اجتماعی و مسئولیت‌های انسانی است. «امر به معروف» و «نهی از منکر» ابزارهایی هستند که نه تنها موجب ارتقای فضایل انسانی می‌شوند، بلکه به تحقق آزادی واقعی کمک می‌کنند. بنابراین پیروی از این اصول دینی نه تنها یک وظیفه مذهبی، بلکه یک نیاز اجتماعی است که باید در زندگی روزمره مورد توجه قرار گیرد.



پند لقمان

لقمان ۱۷

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ
عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ.

وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنْ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا
 يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَ
 لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ
 لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ﴿١٣﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ
 وَهَنَا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ
 الْمَصِيرُ ﴿١٤﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ
 عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ
 مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ
 تَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ
 فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ
 لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿١٦﴾ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ
 ﴿١٧﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا
 إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿١٨﴾ وَأَقِصْ فِي مَشْيِكَ
 وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿١٩﴾



ترجمه:

پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصایبی که به تو می‌رسد، شکیبا باش که این از کارهای مهم است!

شعر:

کای پسر! نزد خدای بی‌نیاز رستگاری گر به پا داری نماز
امر بر نیکی کن و نهی از بدی تا شوی مقبول ذات سرمدی

شأن نزول:

برای آیه شریفه فوق در منابع، شأن نزول نیافتیم؛ ولی روایات متعددی مرتبط با مباحث آیه وجود دارد که به ذکر دو مورد از آنها بسنده می‌کنیم:

۱. ابو ثعلبه اسدی از ابو ثعلبه اسدی از حضرت رسول اکرم ﷺ پرسید: «تفسیر این آیه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مراقب خود باشید! اگر شما هدایت یافته‌اید، گمراهی کسانی که

۱. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ذیل آیه ۱۷ سوره مبارکه لقمان



گمراه شده‌اند، به شما زبانی نمی‌رساند. (مائده/۱۰۵) چیست؟
رسول اکرم ﷺ در پاسخ فرمودند: «وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»^۲

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام: يَا بُنَيَّ اقْبَلْ مِنَ الْحُكَمَاءِ مَوَاعِظَهُمْ، وَتَدَبَّرْ
أَحْكَامَهُمْ، وَكُنْ آخِذًا بِالنَّاسِ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ، وَأَكْفَ النَّاسِ عَمَّا تَنْهَى
عَنْهُ، وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ أَهْلِهِ، فَإِنَّ اسْتِمَامَةَ الْأُمُورِ عِنْدَ اللَّهِ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ.

امام علی علیه السلام:- ای فرزندم! از حکیمان پند بیاموز و از گفته‌ها
نصیحت و پند بگیر و دقت کن؛ و از آنچه مورد استفاده است،
به خوبی فراگیر و از آنچه تو را بازمی‌دارد، اجتناب کن و نفس خود
را از مشتتهیات باز دار. امر به معروف را پیشه ساز تا از اهل معروف
قرارگیری و با نیکان محشور گردی؛ زیرا که تکمیل همه‌ی امور در
نزد خداوند امر به معروف و نهی از منکر است.^۳

داستان:

بزرگان دین توجه ویژه‌ای به عملکرد خانواده خویش داشتند و

۲. زُورِي أَنَّ أَبَا ثَعْلَبَةَ الْأَسَدِيَّ سَأَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ لَا يَصْرُحُكُمْ مَنْ صَلَّى إِذَا اهْتَدَيْتُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۱، ص ۵۵۲ - مصباح الشریعة، ص ۱۸)

۳. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۱، ص ۵۵۲.



اگر کوچک‌ترین انحرافی در روش و سیره‌ی زندگی آنها رخ می‌داد منکر دانسته؛ نهی می‌کردند.

نقل شده است که فرزند آیت‌الله وحید بهبهانی، آقا شیخ عبدالحسین از پارچه گران‌قیمتی برای همسرش لباسی فاخر تهیه کرده بود. روزی آقا وارد منزلش شد، عروسش را نشناخت؛ چون آن لباس نوراً پوشیده بود. فرمود: آن خانم کیست؟
عرض کردند: عروس شماست.

فرمود: چرا باید عروس من این چنین لباس فاخر و گران‌قیمتی بپوشد؟

آقا شیخ عبدالحسین عرض کرد: آقا، مگر خداوند در قرآن نفرموده است: «أَقُلُّ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ»^۴؟

فرمود: بله؛ ولی هیچ می‌دانی در اطراف ما چقدر آدم‌های فقیر زندگی می‌کنند که قادر نیستند از این قبیل لباس‌ها برای اهل و عیال‌شان تهیه کنند؟

آنها وقتی ببینند ما از این لباس‌ها می‌پوشیم، در روحیه و عقیده‌شان اثر سوء می‌گذارد.^۵



۴. سوره مبارکه اعراف آیه ۳۲

۵. زندگی وحید بهبهانی، ص ۱۴۲



امام علی علیه السلام فرمود: اسرافکاری سه نشانه دارد: می خورد آنچه برای او خوب نیست، می پوشد لباسی که در شأن او نیست، می خرد متاعی که در خور [شأن] او نیست.^۶

تمثیل:

برای داشتن سلامت به ترتیب سه چیز لازم است:

اول: واکسیناسیون تا جلوی بروز بیماری گرفته شود و فرد بیمار نشود؛ و گاهی نیاز به واکسیناسیون عمومی است تا جامعه دچار آسیب نشود.

دوم: اگر در مرحله اول کوتاهی شود، نوبت به درمان می رسد و بایستی مداوای مناسب صورت پذیرد.

و سوم: برای اینکه درمان مؤثر باشد، بایستی کادر درمان و بیمار، دوران نقاهت را با مراقبت و شکیبایی پشت سر بگذارند.

آیه به مهم ترین اعمال یعنی مسئله نماز پرداخته، می گوید: «پسرم! نماز را برپا دار» (یا بُنِّیْ أَقِمِ الصَّلَاةَ).

چرا که نماز مهم ترین پیوند تو با خالق است، نماز قلب تو را بیدار و روح تو را مصفّاً، و زندگی تو را روشن می سازد.

آثار گناه را از جانت می شوید، نور ایمان را در سرای قلبت پرتوافکن

۶. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: للمسرف ثلاث علامات: يأكل ما ليس له، و یلبس ما ليس له، و یشتري ما ليس له (خصال شیخ صدوق، ص ۱۲۰)





می‌دارد، و تو را از فحشا و منکرات باز می‌دارد. چنانکه در جای دیگر قرآن می‌فرماید: «همانا نماز از فحشا و منکر باز میدارد.»^۷ و این به منزله واکسینه شدن در برابر آسیب و بیماری است. بعد از برنامه نماز به مهمترین دستور اجتماعی (امر به معروف و نهی از منکر) پرداخته، می‌گوید: «و (مردم را) به نیکیها و معروف امر کن و از منکرات و زشتیها بازدار» (وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ). و بعد از این به مسئله صبر و استقامت که برای ایمان همچون سر نسبت به تن است، پرداخته، می‌گوید: «و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد، شکبیا باش که این از کارهای مهم (هر انسانی) است» (وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ)^۸.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: در مشقت و سختی‌هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر به تو می‌رسد، صبر کن.^۹

صبر، گاهی در برابر مصیبت است، (وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ) گاهی در برابر انجام وظیفه، (وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ) و گاهی در برابر گناه، چنانکه یوسف در زندان گفت: رَبِّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ ... پروردگارا! زندان نزد

۷. آیه ۴۵ سوره مبارکه عنکبوت.

۸. تفسیر نمونه ذیل آیه فوق.

۹. تفسیر مجمع البیان.

۱۰. بقره، ۱۵۶-۱۵۵.





من بهتر از ارتکاب گناهی است که مرا به آن می خوانند، تا آنجا که فرمود: «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

نکات:

۳. یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان، سفارش به نماز است. (یا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ).
۴. پاک‌سازی درونی را با دوری از شرک و بازسازی روحی را با نماز آغاز کنیم. (لَا تُشْرِكْ... أَقِمِ الصَّلَاةَ).
۵. وجوب امر به معروف و نماز، مخصوص دین اسلام نیست. (قبل از اسلام نیز، لقمان سفارش به نماز و امر به معروف و نهی از منکر کرده است) (یا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ).
۶. فرزندان خود را از طریق سفارش به نماز، مؤمن و خدایی، و از طریق سفارش به امر به معروف و نهی از منکر، افرادی مسئول و اجتماعی تربیت کنیم. (یا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ)
۷. آگاهی فرزندان خود را به قدری بالا ببریم که معروف‌ها و منکرها را بشناسند تا بتوانند امر و نهی کنند. (یا بُنَيَّ - وَأْمُرْ - وَأَنَّهُ).
۸. کسی که می خواهد در جامعه امر و نهی کند و قهراً با هوس‌های مردم درگیر شود، باید به وسیله‌ی نماز خودسازی و خود را از ایمان سیراب کند. (أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ).





۹. فرزندان خود را آمر به معروف و ناهی از منکر بار آوریم.
(وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ ...).
۱۰. امر به معروف، همیشه قبل از نهی از منکر است. (وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ
وَإِنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ) رشد معروف‌ها در جامعه، مانع بروز بسیاری از
منکرات می‌شود.
۱۱. در مسیر حق بودن کافی نیست، لازم است دیگران را نیز به
مسیر حق دعوت کنیم. (وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ)؛ چنان‌که در سوره
عصر می‌خوانیم: (الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ)
۱۲. در تبلیغ دین و اجرای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر،
باید صبر و سعه‌ی صدر داشته باشیم. «وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ»
نهی از منکر، با تلخی‌ها و نیش‌زدن‌های گناه‌کاران همراه است،
مبادا عقب‌نشینی کنیم.
۱۳. پدر حکیم، رسیدن سختی به فرزندش را می‌پذیرد و فرمان
صبر می‌دهد؛ ولی ضربه به مکتبش را که سکوت در برابر فساد
باشد، هرگز. «وَأِنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ»
۱۴. امر به معروف و نهی از منکر از مسایل مهم است و صبر در
برابر آنچه در این راه به انسان می‌رسد، ارزش دارد. «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ
عَزْمِ الْأُمُورِ»





تحلیل آیه:

لفظ بنی نوعی خطاب مشفقانه است که برای بیان علاقه و محبت و دلسوزی به کار می‌رود. این نشان می‌دهد که در امر به معروف و نهی از منکر چقدر مهم است که ما از چه الفاظی استفاده می‌کنیم؟! ای نکه بایستی به طرف مقابل بفهمانیم که از روی شفقت و مهربانی و دلسوزی است که به او تذکر می‌دهیم. مراد از «عَزْمٌ» در این جا، یا عزم و اراده‌ی قطعی خداوند بر انجام این امور است و یا لزوم عزم و تصمیم جدی انسان بر انجام آن‌ها. امر به معروف و نهی از منکر نیاز به عزم و جدیت دارد.

با این که در قرآن، ۲۸ مورد در کنار نماز از زکات یاد شده اما در این جا کنار نماز، امر به معروف ذکر شده است. شاید به خاطر آنکه در این آیه مورد خطاب فرزند است و فرزندان معمولاً ثروتی ندارند که زکات بپردازند. (أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ).

انجام این دو امر مهم سنّ خاصی ندارد، زیرا لقمان به فرزندش می‌گوید: (يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ ...).

امر به معروف، نشانه‌ی عشق به مکتب، عشق به مردم، علاقه به سلامتی جامعه و نشانه‌ی آزادی بیان، غیرت دینی، ارتباط دوستانه بین مردم و نشانه‌ی فطرت بیدار و نظارت عمومی و حضور در صحنه است.



امر به معروف و نهی از منکر، سبب تشویق نیکوکاران، هشدار برای جلوگیری از خلاف و ایجاد نوعی انضباط اجتماعی است. قرآن می‌فرماید: شما مسلمانان بهترین امت هستید؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید.^{۱۲}

پیامبرانی همچون حضرت داوود و حضرت عیسی علیه السلام به کسانی که نهی از منکر نمی‌کنند، لعنت فرستاده‌اند.^{۱۳}

قیام امام حسین علیه السلام برای امر به معروف و نهی از منکر بود. «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی اريدان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر»^{۱۴} در حدیث می‌خوانیم: به واسطه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، تمام واجبات به پا داشته می‌شود.^{۱۵}

قرآن می‌فرماید: اگر در مجلسی به آیات الهی توهین می‌شود، جلسه را به عنوان اعتراض ترک کنید تا مسیر بحث عوض شود.^{۱۶} انسان باید هم در دل از انجام گناه ناراحت باشد، هم با زبان، آن را نهی کند و هم با اعمال قدرت و قانون، مانع انجام آن شود.

۱۲. آل عمران، ۱۱۰

۱۳. مائده، ۷۸.

۱۴. بحار ج ۴۴، ص ۳۲۸

۱۵. کافی، ج ۵، ص ۵۵

۱۶. نساء، ۱۴۰ و انعام، ۶۷.





اگر کسی را به کار خوبی دعوت کردیم، در پاداش کارهای خوب او نیز شریک هستیم؛ ولی اگر در برابر فساد، انحراف و گناه ساکت نشستیم، به تدریج فساد رشد می‌کند و افراد فاسد و مفسد بر مردم حاکم خواهند شد. سکوت و بی‌تفاوتی در مقابل گناه، سبب می‌شود که گناه کردن عادی شود، گنهکار جرأت پیدا کند، ما سنگدل شویم، شیطان راضی گردد و خدا بر ما غضب نماید.

امر به معروف و نهی از منکر، دو وظیفه‌ی الهی است و توهّماتی از این قبیل که: گناه دیگران کاری به ما ندارد، آزادی مردم را سلب نکنیم، من اهل ترس و خجالت هستم، با یک گل که بهار نمی‌شود، عیسی به دین خود موسی به دین خود، ما را در یک قبر قرار نمی‌دهند، دیگران هستند، من چرا امر به معروف کنم؟ با نهی از منکر، دوستان یا مشتریان خود را از دست می‌دهم، و امثال آن، نمی‌توانند این تکلیف را از دوش ما بردارند. البتّه امر به معروف و نهی از منکر باید آگاهانه، دلسوزانه، عاقلانه و حتّی المقدور مخفیانه باشد. گاهی باید خودمان بگوییم؛ ولی آنجا که حرف ما اثر ندارد، وظیفه ساقط نمی‌شود؛ بلکه باید از دیگران بخواهیم که آنان بگویند.

حتّی اگر برای مدّت کوتاهی می‌توان جلوی فساد را گرفت، باید گرفت و اگر با تکرار می‌توان به نتیجه رسید، باید تکرار کرد.^{۱۷}

۱۷. تفسیر نور ذیل آیه فوق.

دوستى مومنانه

توبه ٧١

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ .

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ
 أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ
 بِخَلْقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ
 وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ
 فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٦٦﴾ أَلَمْ
 يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ
 إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا
 أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٧٠﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
 وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٧١﴾ وَعَدَّ
 اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ
 وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٧٢﴾



مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است!

شعر:

و مردها و زنانی که اهل ایمانند بُوند [در همه احوال، یار یکدیگر]
نماز را [به درستی] به پای می‌دارند کنند امر به معروف و نهی از منکر
زکات [مال به فرمان شرع] پردازند کنند طاعت پروردگار و پیغمبر
و زود آرزیشان کردگار رحمت خویش خدای عزیز و حکیم است [از همه منظرًا]

شان نزول:

شان نزول آیه در منابع یافت نشد؛ ولی در تفسیر اهل بیت علیهم السلام

ذیل آیه مبارکه، این روایت زیبا نقل شده است:

۱. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ذیل آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه.

۲. ترجمه منظوم قرآن، امید مجد.



عن الباقر عليه السلام: وَالْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا مُرْهُمُ بِالْمَعْرُوفِ إِذَا قَامَ وَيَنْهَاهُمُ
عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْمُنْكَرِ مَنْ أَنْكَرَ فَضَلَ الْإِمَامَ وَجَدَهُ.

از امام باقر عليه السلام نقل شده که فرمودند: وقتی حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ قیام کند آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید و منکر این است که مقام امام عليه السلام را انکار کند و از پیروی او امتناع ورزد.^۳

داستان:

گفته شده وقتی عمرو لیث صفاری در زمستان با لشکرش وارد نیشابور شد، لشکر او در خانه‌های شهر ساکن شدند. پیرزن فرتوتی، پنج خانه داشت و سربازها در همه آن‌ها ساکن شده بودند. پیرزن برای شکایت، نزد عمرو لیث رفت و به او گفت: من پیرزنی هستم که پنج خانه دارم. لشکر تو آن‌ها را گرفته و اشغال کرده است. خوب نیست من همراه با دختر و عروس، با لشکر تو در یک منزل باشم. عمرو گفت: تو می‌گویی لشکر من در سرما بمانند؟! آیا این آیه قرآن را خوانده ای که می‌گوید: «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَظَهَا أَهْلَهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ؛» (نمل، ۳۴) همانا پادشاهان وقتی وارد شهری شوند، آن را تباه سازند و عزیزانش را خوار و ذلیل

۳. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۶، ص ۲۴۲ - الکافی، ج ۲، ص ۴۰۶.

من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳۹ / تهذیب الأحکام، ج ۵، ص ۴۰ / وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۳ / العیاشی، ج ۲، ص ۹۶ / البرهان / نور الثقلین / تحف العقول، ص ۲۳۷



کنند و این رویه آنان است.

پیرزن که زنی دانا و اهل قرآن بود، در پاسخ به او گفت: آری، چنین است که می‌گویی؛ اما در حیرتم که چرا امیر این آیه قرآن را نخوانده است که خداوند فرموده:

«قَتَلَكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (نمل، ۵۲)

پس این خانه‌های آنهاست که به کیفر ستمکاریشان به ویرانه‌ای مبدل شده و در این، عبرتی برای مردم داناست.

امر به معروف و نهی از منکر پیرزن با آیه قرآن، در امیر بسیار اثر کرد و دلش نرم شد و گفت: ای پیرزن! برو به خانه خود که ما الان حرکت می‌کنیم!

آن‌گاه فرمان حرکت داد و دستور داد در بین لشکریان اعلام کنند هر سربازی که در خانه‌ای از خانه‌های شهر بماند، کشته خواهد شد. لشکر عمرو لیث حرکت کردند و در باغی بیرون شهر، اتراق نمودند و بدین‌گونه پیرزنی با نهی از منکر و خواندن آیه‌ای از قرآن، سلطانی را متنبه ساخت و مردم یک شهر را از ظلم و تجاوز او و لشکریانش رهایی بخشید.^۴

داستان عمرو لیث صفاری و پیرزن نیشابوری، نه تنها یک روایت





تاریخی است، بلکه می‌تواند به عنوان الگویی برای ما در مواجهه با مشکلات اجتماعی و ظلم‌های معاصر مورد استفاده قرار گیرد. امروزه، در بسیاری از نقاط جهان، شاهد بی‌عدالتی‌ها و ظلم‌هایی هستیم که به شکل‌های مختلف بروز می‌کند. از جنگ‌ها و بحران‌های انسانی گرفته تا نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی. در این شرایط، صدای افراد عادی (مانند پیرزن داستان) می‌تواند تأثیرگذار باشد.

ما نیز باید مانند آن پیرزن شجاع باشیم و از حقوق خود و دیگران دفاع کنیم. با آگاهی، صدای بلند و اقدام مؤثر می‌توانیم به تغییرات مثبت در جامعه کمک کنیم و از ظلم‌های داخلی و خارجی جلوگیری نماییم.

تمثیل:

اگر روزی در مسیر با صحنه تصادفی روبه‌رو شویم و افرادی را که مصدوم شده‌اند و نیاز به کمک ما دارند بینیم، بعید است از کنار آن به‌آسانی بگذریم و به آنها امداد رسانی نکنیم یا حداقل به سازمانهای امداد رسان اطلاع ندهیم. مخصوصاً اگر کسی غیر از ما در محل نباشد. گاهی جراحی، جسمی است و برای سلامت جسم خطرناک است و گاهی حتی باعث آسیب به سلامت عمومی





می‌شود مثل بیماری‌های واگیردار. همه‌ی ما اهمیت این مطلب را به خوبی می‌دانیم که نبایستی در این مواقع بیکار بود و ساکت نشست و دست روی دست گذاشت؛ بلکه بایستی به کمک افراد آسیب دیده شتافت و مراقبت‌ها و تذکرات لازم را انجام داد؛ اما آیا در مقابل مجروحیت‌ها و بیماری‌های روحی و اخلاقی که به سلامت ایمان و روان جامعه آسیب می‌زند هم این‌گونه حساسیت داریم؟! حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: امر به معروف و نهی از منکر، مصلحت عامه است.^۵ چنان‌که در حدیث دیگر می‌خوانیم: کسی که جلوی منکر را نگیرد، مانند کسی است که مجروحی را در جاده رها کند تا بمیرد.^۶

نکات:

۱. زن و مرد هر دو، در اصلاح جامعه تأثیرگذارند. «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ»
۲. مؤمنان در جامعه‌ی اسلامی، نسبت به یکدیگر از طرف خداوند، حق ولایت و نظارت همراه با محبت دارند و بی تفاوت نیستند. (بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ).
۳. امر به معروف و نهی از منکر که بر همه‌ی مردان و زنان با ایمان



۵. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲

۶. کنز العمال، ج ۳، ص ۱۷۰.



- واجب است، برخاسته از حق ولایت بر یکدیگر است. (بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ... وَيَنْهَوْنَ).
۴. امر ونهی، در سایه‌ی محبت و ولایت قابل اجراست. (بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ، يَأْمُرُونَ...).
۵. ایمان در اصلاح فرد و جامعه، نقش بسزایی دارد. (الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ... يَأْمُرُونَ، يَنْهَوْنَ، يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ).
۶. امر به معروف و نهی از منکر، اقامه‌ی نماز، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول، وظیفه و عملکرد دائمی مؤمنان است. (يَأْمُرُونَ، يَنْهَوْنَ، يُقِيمُونَ، يُؤْتُونَ، يُطِيعُونَ) (فعل مضارع رمز استمرار است).
۷. اعمال انسان، زمینه‌ساز رحمت الهی است. (يَأْمُرُونَ، يَنْهَوْنَ، يُقِيمُونَ، يُؤْتُونَ، يُطِيعُونَ، سَيَّرَحْمُهُمُ اللَّهُ).
۸. زن و مرد در دریافت رحمت الهی یکسان می‌باشند. (الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ... سَيَّرَحْمُهُمُ اللَّهُ).

تحلیل آیه:

یکی از نکات مهم در امر به معروف و نهی از منکر توجه به ولایت متقابل مؤمنین نسبت به همدیگر است.

این ولایت هم باعث حس مسئولیت و احساس وظیفه دوطرفه



می شود و هم حق دوجانبه ایجاد می نماید.

آیه ۶۷، درباره‌ی منافقان تعبیر «بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» را آورده بود؛ اما این آیه درباره‌ی مؤمنان می‌فرماید: «بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»، شاید اختلاف تعبیر به خاطر آن است که برخلاف مؤمنان، وحدت عمیق و پیوند ولایت در میان منافقان نیست و هنگام بروز منافع شخصی، وفادار نیستند و وحدتشان ظاهری و صوری است، به قول قرآن: «تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى»^۸؛ آنان را متحد می‌پنداری در حالی که دلهایشان پراکنده است.

چون امر به معروف و نهی از منکر، عامل برپایی واجبات دیگر است، از این رو قبل از نماز و زکات آمده است.^۹



۸. حشر، ۱۴.

۹. تحف العقول، ص ۲۳۷.

بغض منافقانه

توبه ٦٧

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ
وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ
إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ.

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ
يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ
اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ
الْعَظِيمُ ﴿٦٣﴾ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ
تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا
تَحْذَرُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ
وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ
﴿٦٥﴾ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعَفُ عَن
طَائِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ
﴿٦٦﴾ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ
بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا
اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٦٧﴾ وَعَدَّ
اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ
فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٦٨﴾



مردان منافق و زنان منافق، همه از یک گروه‌اند! آنها امر به منکر، و نهی از معروف می‌کنند؛ و دست‌هایشان را (از انفاق و بخشش) می‌بندند؛ خدا را فراموش کردند، و خدا (نیز) آنها را فراموش کرد (، و رحمتش را از آنها قطع نمود)؛ به یقین، منافقان همان فاسقان‌اند!

شعر:

و مردها و زنان منافق‌اند چو هم کنند امر به منکر و نهی از معروف
و دستشان را ز نفاق بسته می‌دارند نموده‌اند فراموش کردگار [زئوف]
خدای نیز فراموش کرده آنان را بُود گروه منافق به فاسقین [مألوف]^۲

شأن نزول:

در باره این آیه شریفه شأن نزولی و حتی روایتی ذیل آیه در منابع نیافتیم و به مناسبت امر به معروف و نهی از منکر و رابطه آن با

۱. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ذیل آیه ۲۷ سوره مبارکه توبه

۲. ترجمه منظوم قرآن، امید مجد (با اندکی دخل و تصرف)



ایمان و نفاق، روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کنیم. روایتی که به زیبایی رابطه مستقیم ایمان و امر به معروف و نهی از منکر و رابطه معکوس آن را با نفاق بیان می‌سازد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ الْمُنَافِقِ وَأَمَّنْ كَيْدَهُ»؛^۳

هر کس امر به معروف کند، به مؤمن نیرو می‌بخشد و هر کس نهی از منکر نماید، بینی منافق را به خاک مالیده و از مکر او در امان می‌ماند.

داستان:

در زمان پیامبر دو نفر به نام‌های «عقبه» و «أبى بن خلف» با هم دوستانی صمیمی بودند. به گونه‌ای که هر گاه یکی از سفر می‌آمد، با ترتیب دادن میهمانی از دوست خود پذیرایی می‌کرد. روزی عقبه از سفر آمد. میهمانی ترتیب داد و اشراف قوم خویش را به این میهمانی فرا خواند، از قضا دوستش در آن موقع به سفری رفته بود و در میهمانی حاضر نشد. هر چند هنوز اسلام نیاورده بود، با وجود این پیامبر اسلام را هم به این میهمانی دعوت کرد. هنگامی که سفره را گسترده و غذاها حاضر شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: ای عقبه! من از غذای شما نمی‌خورم تا شهادت به وحدانیت خدا و رسالت من دهی! عقبه نیز از باب این‌که به حضرت ارادت داشته و دوست داشت





که حضرت از غذای او تناول کند، شهادتین را بر زبان جاری کرد. این خبر به گوش دوستش ابی رسید. ابی برای او پیغام فرستاد که: ای عقبه! از آیین خود منحرف شدی؟ عقبه در پاسخ گفت: نه، من منحرف نشدم؛ اما مردی بر من و میهمانی وارد شد و حاضر نبود از غذایم تناول کند، جز اینکه من شهادتین را بر زبان جاری کنم. من شرم داشتم که کسی از سفره من تناول نکند؛ لذا شهادتین را گفتم. ابی گفت: من تنها زمانی به دوستی با تو ادامه می‌دهم و از تو راضی می‌شوم که در برابر پیامبر بایستی و او را توهین کنی. عقبه به خاطر دوستی، پذیرفت و مرتد شد و سرانجام نیز او و رفیقش در جنگ بدر در صف کفار به هلاکت رسیدند.^۴

قرآن کریم در آیات ۲۷ تا ۲۹ سوره مبارکه فرقان به این داستان اشاره می‌کند: «به خاطر آور روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گیرد و می‌گوید: ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم! ای وای بر من کاش فلان (دوست گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یاد حق گمراه ساخت. بعد از آن که یاری حق به سراغ من آمده بود.»^۵

۴. تفسیر مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۶۶.

۵. «وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا (۲۷) يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (۲۸) لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا (۲۹)». (فرقان ۲۷-۲۹)



تمثيل:

کسی که قصد دارد به مسافرت برود، بایستی مقدمات زیادی را فراهم نماید، از آماده‌سازی وسیله نقلیه و اسباب و اثاثیه سفر و بررسی وضعیت آب و هوا و جاده و ... اما چیزی که از این موارد مهم‌تر است نقشه مسیر است.

تصور کنید که قصد سفر دارید و در جاده علائم رانندگی وجود ندارد و شما مجبورید از یک عابر پیاده نشانی را بپرسید. حال اگر آن عابر دروغ‌گو باشد، شما را به اشتباه خواهد انداخت و مسیر انحرافی را معرفی خواهد کرد.

این کار باعث انحراف از مسیر می‌شود و گاهی حتی باعث می‌شود تا مسیر کاملاً معکوس شود. با این اتفاق نه تنها به مقصد نمی‌رسید بلکه هرچه جلوتر می‌روید از مقصد دورتر می‌شوید. نقش منافقین همانند آن عابر پیاده است که با نشانی اشتباه، شما را از مسیر سعادت زندگی باز می‌دارد.

اینجاست که مسیر معکوس می‌شود و باید‌ها و نباید‌ها جابه‌جا می‌شود. خوبی‌ها، بدی و بدی‌ها، خوبی معرفی می‌شوند. طبق بیان آیه، ویژگی منافقان امر به منکر و نهی از معروف است؛ پس برای اینکه این ویژگی منافقانه را نداشته باشیم، باید امر به معروف و نهی از منکر کنیم.





نکات:

۱. زن و مرد هر دو، در اصلاح یا فساد جامعه نقش دارند.
(الْمُنَافِقُونَ، الْمُنَافِقَاتُ)
۲. بعضی از منافقان نقش رهبری دارند و بعضی دیگر، تأثیرپذیرند.
«بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ» (نفاق دارای مراتبی است)
۳. اهل نفاق با درجات مختلفشان، اصول و عملکردهای مشترکی دارند. (بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ).
۴. منافقان، هر چند سوگند بخورند که از شما ایند، باور نکنید، زیرا آنان جزء باند خودشان اند. (بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ).
۵. اشاعه‌ی فحشا و دعوت به منکرات و نهی از خوبی‌ها، نشانه‌ی نفاق است. (يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ).
۶. در فرهنگ منافقان، خیرسانی وجود ندارد. (يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ).
۷. ترك امر به معروف، نهی از منکر و انفاق در راه خدا، نشانه‌ی فراموش کردن خداست. (نَسُوا اللَّهَ).
۸. کیفی‌های الهی، با کردار انسان متناسب است. (نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ).
۹. منافقان در محاسبات خود، مردم را در نظر می‌گیرند، نه خدا را.
(نَسُوا اللَّهَ)
۱۰. نفاق و دورویی، فسق است. (هُمُ الْفَاسِقُونَ)^۶

۶. تفسیر نور ذیل آیه فوق



تحلیل آیه:

کفر در مقابل اسلام است و نفاق در مقابل ایمان.

نشانه‌های منافقان:

- «آنها مردم را به منکرات تشویق، و از نیکی‌ها باز می‌دارند»
(يَا مُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ).

یعنی درست برعکس برنامه مؤمنان راستین که دائما از طریق «امر به معروف» و «نهی از منکر» در اصلاح جامعه و پیراستن آن از آلودگی و فساد کوشش دارند، منافقان دائما سعی می‌کنند که فساد همه جا را بگیرد و معروف و نیکی از جامعه برچیده شود.

- تمام اعمال و گفتار و رفتارشان نشان می‌دهد که «آنها خدا را فراموش کرده‌اند (و نیز وضع زندگی آنها نشان می‌دهد که) خدا هم آنها را از برکات و توفیقات و مواهب خود فراموش نموده»
(نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ)؛ یعنی با آنها معامله فراموشی کرده است و آثار این دو فراموشی در تمام زندگی آنان آشکار است. پنجم: این که «منافقان فاسقند و بیرون از دایره اطاعت فرمان خدا»
(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ).

- این که «منافقان فاسق‌اند و بیرون از دایره اطاعت فرمان خدا»
(إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ).





آنچه در آیه فوق درباره صفات مشترک منافقان گفته شد در هر عصر و زمانی دیده می شود.^۷

علت پرداختن به این آیه در این بحث، معرفی نقطه مقابل امر به معروف و نهی از منکر است.

افراد مؤمن امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در نقطه مقابل منافقین امر به منکر و نهی از معروف می کنند.

علت این است که اهل ایمان در زیر ولایت الهی هستند و اهل نفاق ولایت شیطان را پذیرفته اند.

خداوند میفرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۸ یا می فرماید: «... وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»^۹

۷. برگزیده تفسیر نمونه ج ۲، ص ۲۲۶ (ذیل آیه فوق)

۸. سوره مبارکه بقره آیه ۲۶۸

۹. سوره مبارکه نور آیه ۲۱



۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. تفسیر مجمع البیان
۴. آسترآبادی، علی، تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، محقق و مصحح: استادولی، حسین، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
۵. بحار
۶. برشی از کتاب سلام بر ابراهیم
۷. برگرفته از کتاب "تمثیلات" حجت الاسلام رنجبر
۸. برگزیده تفسیر نمونه
۹. پاک نیا، جلوه هایی از نور قرآن
۱۰. تأویل الآيات الظاهرة
۱۱. تحف العقول
۱۲. ترجمه منظوم قرآن، امید مجد (با اندکی دخل و تصرف)
۱۳. ترجمه مکارم شیرازی، تفسیر نمونه
۱۴. تفسیر اهل بیت علیهم السلام
۱۵. تفسیر مجمع البیان
۱۶. تفسیر نمونه





۱۷. تفسیر نور ذیل آیه فوق
۱۸. تفسیر المیزان، علامه طباطبایی
۱۹. تمثیلات آیت الله حائری شیرازی ذیل مبحث امر به معروف و نهی از منکر
۲۰. تمثیلات حجت الاسلام قرائتی
۲۱. خصال شیخ صدوق
۲۲. داستان راستان، به نقل از الانوار البهیة ی محدث قمی
۲۳. درسهایی از قرآن حجت الاسلام قرائتی
۲۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام
۲۵. کافی (ط-الاسلامیه)
۲۶. کنز العمال
۲۷. محمدباقر محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات از نظر شیخ طوسی و سایر مفسرین خاصه و عامه
۲۸. مصباح الشریعه
۲۹. مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، شیخ طوسی
۳۰. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی
۳۱. نور الثقلین/ البرهان/ تأویل الآیات الظاهره
۳۲. واعظ خانواده به نقل از ارشاد القلوب دیلمی
۳۳. وسائل.

